

اخباری از جنبش همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

"ما سیاست سرکوب و شکنجه زندانیان سیاسی را در زندانهای جمهوری اسلامی محکوم می‌کنیم. ما خواهان قطع شکنجه و رعایت حقوق بشر در زندانهای جمهوری اسلامی هستیم." ● روز ۲۰ مرداد انجمن طرفداران حقوق بشر در اسپانیا طی نامه‌ای خطاب به نماینده رژیم خمینی در اسپانیا نگرانی بقیه در صفحه ۲

عراق، استرالیا، فیلیپین، نیوزیلند، هندوستان، یونان، ژاپن و... به چشم می‌خورد. ● دبیرخانه "کمیسیونهای کارگری - مادرید" در تاریخ ۱۵ مردادماه با ارسال تلگرامی به سفارت جمهوری اسلامی در اسپانیا حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشت. متن این تلگرام چنین است؛

● شرکت کنندگان در "کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی" در ژاپن با امضای متنی خواهان "آزادی فوری و بی‌قید و شرط" همه زندانیان سیاسی از سیاهچال‌های رژیم خمینی شدند. در میان نام امضاکنندگان این متن اسامی نمایندگان کشورهای کوبا، ایالات متحده آمریکا، اتحاد شوروی،



دوشنبه ۹ شهریور ۱۳۶۶ برابر ۲۱ اوت ۱۹۸۷
پها ۸۰ ریبال - سال چهارم - شماره ۱۷۲

بیمه بیکاری کارگران و رضایت کامل کارفرمایان

"لایحه بیمه بیکاری" که در دیماه سال ۶۵ به تصویب هیات وزیران رژیم رسیده بود، پس از گذشت از چم و خم اداری چندی و درست پس از آنکه روح ارتجاعی آن در جریان شور کارفرمایان و "مصلحت‌نگری" شورای نگهبان، پروار کشت و کمال یافت، در تیرماه سال جاری به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان رسید و از ششم مردادماه "لازم الاجرا" اعلام شد. این لایحه در زمانی به افتخار نائل آمدن به مدال "تابید" شورای نگهبان دست یافت که با خواست کارفرمایان انطباق یافت و حتی بنا به اعتراف سرحدی زاده، موجبات رضایت و آسودگی کامل خاطر آنان را فراهم ساخت. لایحه بیمه بیکاری که به تصویب رسید، زرادخانه تبلیغاتی رژیم بکار افتاد و بانک در داد که، "ای ملت بپایید و عدل اسلامی را تماشای کنید"، و کارگر در حکومت اسلام چنین و چنان است. اما حتی یک نکرش کلارا بر آنچه که رژیم خمینی "بیمه بیکاری" نام نهاده است، می‌تواند افشاگر کیش سرمایه‌پرستانه حکومت بوده، نقاب از رخسار ارتجاع در عرصه امور کارگری برگزید. بیمه بیکاری و پرداخت آن از سوی کارفرما - چه خصوصی و چه دولتی - از جمله حقوق کارگری محسوب می‌گردد. مبارزه برای کسب این حق از سوی کارگران، گرچه در کشور، به گذشته چندان دوری بر نمی‌گردد، اما در

"تعبیر حمله نهایی از مسئولین نیست. در شعارها گفته می‌شود. (رسالت - اول شهریور) اما فقها همچنان چنگ می‌خواهند، باز هم برای حمله‌های وسیع تدارک می‌بینند، لیکن در باتلاق دست و پا می‌زنند. هر تلاش برای خروج از بن‌بست حالت بن‌بست را تشدید می‌کند و هر تلاش برای غلبه بر درماندگی، بر ابعاد درماندگی می‌افزاید. اکنون هنگام، هنگام تشدید حمله بر فقها و کوپیدن شعار نفرت از چنگ و نفرت از رژیم بر فرق سر آنهاست.

روندهای تازه هنوز نتایج خود را آشکار نساخته‌اند. فقها نیز در انتظار نشسته‌اند. فشار بین‌المللی در حال فروزنی گرفتن است و هر مجموعه فشارها در سطح داخلی - چه به لحاظ اجتماعی و چه به لحاظ اقتصادی - افزوده می‌گردد. آنچه که هنوز چشم‌انداز آینده را مبهم می‌سازد آشکار نشدن نتایج فاز فعلی است. نتایج هنوز روشن نیستند اما اکنون می‌توان با قطعیتی که همواره در عرصه سیاست با

روندهای جدید در گذر از میانه راه

کویت بلند شد و آمریکا به بهانه محافظت از پرچمهایی که بر فراز نفت کش‌های کویتی نصب کرد، به منطقه ناوگان جنگی فرستاد. جمهوری اسلامی همزمان با انجام مانور شهادت در "آبهای اسلامی" به فکر مانور در زادگاه اسلام افتاد و بلوای مکه برپا شد. نتیجه این که عربستان فاعلتر گردید و بر فشار کشورهای عربی منطقه بر روی جمهوری اسلامی افزود. جمهوری اسلامی به سیاست وقت گذرانی رو آورد. قطعنامه شورای امنیت را از زبان مسئولان خود رد کرد اما به شکل رسمی جای بحث را باقی گذاشت. فقها حالت درمانده‌ای یافتند. فاز تازه، درماندگی آنها را پیش از هر هنگام دیگری آشکار کرد. آنها خود اعتراف می‌کنند که چنگ دیگر چنگ سه سال و دوسال و یک سال پیش نیست. داعیه همه نهایی دیگر حتی در قاموس خود رژیم رنگ باخته است. رفسنجانی اخیرا در مصاحبه با شبکه تلویزیونی "ان. بی. سی" آمریکا گفت؛

در هفته گذشته نیز همچون هفته‌های پیش‌تر، چنگ ارتجاعی ایران و عراق و رویدادها و رفت و آمدهای دیپلماتیک همبسته با آن، تئیه‌های درشتی را در مطبوعات بین‌المللی به خود اختصاص دادند. چنگ قبل از دوره فعلی، حالت یک چنگ فراموش شده را یافته بود و توجه ویژه امروزین به این پدیده نفرت‌انگیز، پیش از هر چیز با مشخصه مرحله کنونی که مرحله برچسته شدن ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی چنگ محسوب می‌شود، قابل توضیح است. ورود به مرحله کنونی، از آغاز تاپستان اسال قطعیت یافت. شورای امنیت بطور ویژه چنگ ایران و عراق را در دستور کار خود قرار داد و در تاریخ ۲۰ ژوئن قطعنامه‌ای را به تصویب رساند که در آن بر ضرورت پایان یافتن چنگ تأکید شد. همزمان با فاعلتر کشتن سازمان ملل متحد در قبال چنگ ایران و عراق، حوادث خلیج فارس و حمله به کشتی‌های تجاری برچستی یافت. فغان



صف نان، صف گوشت، صف لوبیا، صف نخود، صف قند، صف چای، صف دفتر و قلم، صف صابون، صف نفت، صف بنزین، صف پارچه، صف دارو، صف...

از رویدادهای ایران

- * خامنه‌ای: زمان پایان چنگ، نامشخص است
- * محاکمه همکاران مهدی هاشمی
- * نوسان قیمت نفت در بازار جهانی
- * نرخ ارزها در بازار آزاد تهران
- * حافظ اسدیه ایران سفر می‌کند
- * قرار داد پیک میلیار دپوندی ایران و انگلیس

روندهای جدید در گذر از میانه راه

بقیه از صفحه اول

ضربیه های تقریبی همراه است، گفت که روندهای تازه در حال گذر از میانه راهند. این بدان معنی است که هفته ها و ماه های آینده سرنوشت جنگ را روشن تر خواهند ساخت، وزن واقعی فاکتورهای جدید دخیل در جنگ را معلوم خواهند کرد و

روشن خواهد شد که چه تاثیری بر چا گذاشته و یا می تواند بر چا بگذارد. در هفته ها و ماه های آینده باید با دقت سیر حوادث را پی گرفت تا بتوان از روندهای جدید پیلائی از آن داد.

در این صفحه به رویدادهای جدید هفته گذشته نظر می دوزیم.

مذاکره تلویزیونی مجدد با آمریکا

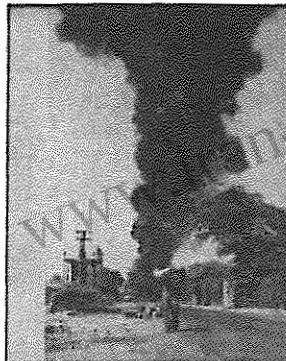
رفسنجانى در مصاحبه با خبرنگار شبکه تلویزیونی "ان.بی.سی"، مجدداً به مذاکره تلویزیونی با آمریکا پرداخت. پیام مهم رفسنجانى برای دولت آمریکادر این مصاحبه آن بود که اگر کشتی های جنگی آمریکا در منطقه "کار خصمانه ای انجام ندهند، ما هم کار خصمانه ای انجام نخواهیم داد." (رسالت - اول شهریور) اما این مهمترین سخن رفسنجانى نبود. سخن مهمتر در پاسخ به این پرسش خبرنگار آمریکایی بود که "آیا گمان نمی کنید که موقع آن رسیده باشد که گفتگوهای رسمی بین ایران و آمریکا واقع شود؟" رفسنجانى به این سؤال چنین پاسخ داد: "پاشویه های غلطی که آمریکا عمل می کند و سوختنی که ما به آمریکا داریم، مشکل است. مثلاً همان روش ارسال قاچاقی آقای مک فارلین، چرا آنطوری باشد؟ شما در ایران حافظ منافع دارید. می توانید هر چه می خواهید به ما بگویید، از طریق سوئیس بگویید و جواب آن را نیز بپذیرید. یا از طریق کشورهای دوستی که در منطقه دارید. آنها با ما رابطه دارند، شما می توانید حرفتان را با ما بزنید و جواب هم از ما بپذیرید."

رفسنجانى در این مصاحبه مقدار زیادی از آمریکا کله کرد که "شما در حال حاضر در خلیج فارس بی جهت لشکر کشی می کنید. کاری که بی لشکر کشی هم می شد بکنید. باحتی در همان جریان افتضاح آقای مک فارلین، همان مقدار ارتباطی که درست شد، چندتا کار زشت شما کردید. همین مقدار کم اسلحه را گران دادید... اسم اسرائیل را در کار آوردید که یک شیطنت تبلیغاتی بود." با همه این احوال "می شود خصوصت ها را کم کرد."

خطر از سرگیری کامل جنگ شهرها

دو هفته پیش احتمال جنگ شهرها بالا گرفت. اما در هفته گذشته خبرهای جنگی تنها به تعدادی درگیری های پراکنده در جبهه شمال جنگ محدود بود تا این که در روز شنبه عراق چند حمله هوایی در جنوب و در منطقه خلیج فارس صورت داد.

دو هفته پیش عراق اعلام کرد که در عرصه دریادست به حمله نخواهد زد و از حمله به کشتی ها خودداری خواهد کرد. اما عراق در هفته گذشته حرف خود را در این زمینه پس گرفت. سفیر عراق در آمریکا اعلام کرد در صورتی که شورای امنیت، جمهوری اسلامی را به خاطر مخالفت با قطعنامه ۲۰ ژوئن مجازات نکند، عراق همچنان به حملات هوایی خود به کشتی ها ادامه خواهد داد. حملات هوایی روز شنبه نشان دهنده آن است که عراق می خواهد عملیات نیز حرف خود را پس بگیرد و پرتشنگ در خلیج پیفزاید.



در روز یکشنبه ۸ شهریور عراق به تعدادی از تاسیسات صنعتی در استان های آذربایجان شرقی و همدان حمله برد و ضمن ویرانگری، عده ای را کشته و مجروح ساخت. جمهوری اسلامی در ظهر روز یکشنبه اعلام کرد که با کلوله پاران پصره به این حملات پاسخ خواهد گفت. پدینسان بازم آذیر قرمز خطر از سرگیری کامل جنگ شهرها به صدا درآمده است. هر دو رژیم در تدارک جنایت کاری های تازه هستند.

فعالیت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی

فعالیت های دیپلماتیک جمهوری اسلامی به قصد مقابله با فشار بین المللی برای پایان یافتن جنگ، تشدید شده است. مهمترین اقدام جمهوری اسلامی در این زمینه در هفته گذشته فرستادن لاریجانی، معاون

وزیر خارجه، به نیویورک، بن و رم بود.

لاریجانی در نیویورک اعلام کرد که از نظر جمهوری اسلامی سرنوشتی صدام حسین جز و شرابط پایان جنگ نیست. او همچنین اعلام کرد که جمهوری اسلامی برای آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان تلاش می کند. او پیش از ملاقات با دبیرکل سازمان ملل در نیویورک نظر جمهوری اسلامی نسبت به قطعنامه ۲۰ ژوئن شورای امنیت را منفی توصیف کرد. لاریجانی از نیویورک به رم و پس از آن به بن پرواز کرد. او در بن با کنش وزیر خارجه آلمان فدرال، ملاقات داشت. جمهوری اسلامی به کنش به مثابه مهمترین سیاستمدار غربی می نگرد که حرف تهران را می فهمد!

در سازمان ملل

شورای امنیت سازمان ملل متحد در روز پنجشنبه هفته گذشته در پشت درهای بسته تشکیل جلسه داد و به بررسی جنگ ایران و عراق پرداخت. نتایج این اجلاس هنوز روشن نشده است.

در روز ۲۰ سپتامبر (۲۹ شهریور) مجمع عمومی سازمان ملل متحد گشایش خواهد یافت. یکی از مهمترین مسائل در دستور کار مجمع عمومی جنگ ایران و عراق خواهد بود. جمهوری اسلامی از هم اکنون نگران کار مجمع عمومی است. قاعدتا خامنه ای می بایست در مجمع عمومی سازمان ملل شرکت کند.

در دو هفته گذشته از احتمال سفر دبیرکل سازمان ملل به تهران و بغداد سخن می رفت. خاویر پرز دو کوئیار همان هنگام گفته بود در صورتی به تهران خواهد رفت که نتیجه بخش باشد. عراق رسماً از دبیرکل سازمان ملل درخواست نموده است که به بغداد سفر کند. برای این سفر تاریخ معینی اعلام نشده است.

ریاض و تهران

جنگ تبلیغی بین عربستان سعودی و جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد. پس از هلوای مکه روابط ریاض و تهران به شدت تیره شده است. خمینی در هفته گذشته گفت: "اگر ما از مساله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما پدی کردند بگذریم، نمی توانیم از مساله حجاز بگذریم." (روزنامه جمهوری اسلامی - ۲ شهریور). عربستان هم تصمیم گرفته است از مسائل خود با جمهوری اسلامی نگذرد. ◀

اخباری از جنبش...

بقیه از صفحه اول

عمیق خود را نسبت به وضع زنده انهای ایران، به ویژه اوین و گهر دشت ابراز کرد. این نامه به اعضای لوئیس میگل آلونسو دبیرکل انجمن رسیده است و در آن از جمهوری اسلامی خواسته شده که در باره وضعیت زندانیانی که به خاطر اعتصاب غذا به بیمارستان انتقال داده شدند، توضیح دهد.

● در تاریخ ششم اوت (۱۵ مرداد) کمیته بین المللی دمکراتیک یونان طی تلگرافی به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور حمایت خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام داشت. در بخشی از این تلگراف آمده است: کمیته بین المللی همبستگی دمکراتیک یونان که بیانگر احساسات دمکراتیک خلق یونان است به شرایط غیر انسانی و قرون وسطایی زندانیان اوین و گهر دشت شدیداً اعتراض می کند. زندگی زندانیان هر لحظه با خطر مرگ روبرو است...

کمیته همبستگی دمکراتیک یونان پشتیبانی بیدریغ خود را از زندانیان سیاسی ایران اعلام می دارد.

رئیس کمیته واسیلی فیلیاس دبیر اول، نیکوس فوتیادیس

اعتصاب غذا در بلژیک

از تاریخ ۱۱ مرداد، درهمبستگی با زندانیان سیاسی ایران، اعتصاب غذای سه روزه ای در بلژیک برگزار کردید. این اعتصاب غذا که با شرکت فداییان خلق و توده ای ها صورت گرفت، با پشتیبانی نیروهای مترقی بلژیک روبرو شد. نماینده سازمان جوانان حزب کمونیست بلژیک و نماینده جنبش جوانان کمونیست بلژیک با حضور در محل اعتصاب غذا همبستگی خود را با زندانیان سیاسی ایران اعلام کردند و از خواست های اعتصابگران حمایت کردند.

در قطعنامه پایانی این اعتصاب بر اجرای موارد زیر تأکید شده است: ۱ - قطع شکنجه های وحشیانه علیه زندانیان سیاسی ایران.

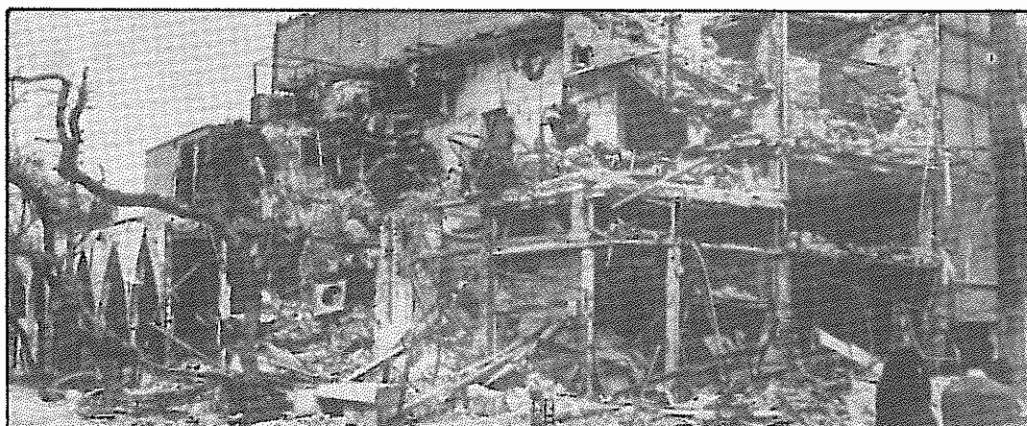
۲ - آزادی همه زندانیان سیاسی - فراهم کردن امکان بازدید هیئتی متشکل از نمایندگان سازمان ملل، عفو بین الملل، حقوق بشر و حقوق دانان از زندان های جمهوری اسلامی.

بسیج آخوندها برای بسیج جنگی

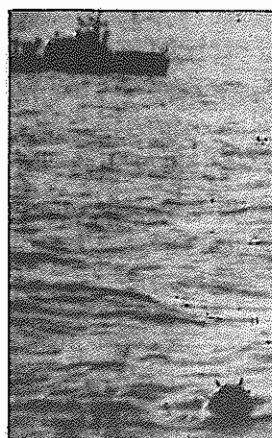
لشکر تازه ای را می خواهند با عنوان "عاشورا" علم کرده و به جبهه بفرستند. سرپازگیری شدت گرفته است. در پیر به دنبال جوانان می گردند تا آنها را کت پسته تحویل پادگانهای نظامی دهند. رژیم ماشین تبلیغاتی خود را نیز به راه انداخته است. ماه محرم است و باید سرعت بیشتری گیرد. در همین راستاست که رئیس جمهور خامنه ای به بسیج آخوندها دست زده تا از طریق آنها به بسیج جنگی بپردازد. در کیهان ۲۸ مرداد این آگهی از جانب خامنه ای به چاپ رسیده است.



با حملات هوایی عراق در روزهای ۷ و ۸ شهریور، تبلیغات جنگی رژیم شدت بیشتری یافت و رژیم بهانه ای به دست آورد تا بر بسیج جنگی تأکید بیشتری داشته باشد. اکنون خطر عمدتاً مناطق مسکونی را تهدید می کند. هر آن احتمال دارد جنگ شهرها به شکل تمام عیار از سر گرفته شود.



خمینی و هم صدام حسین این روزها هر آن ممکن است، جنگ شهرها را آغاز کنند و هزاران تصویر دردناک چون تصویر بالا را در گوشه و کنار خاک دو کشور نقش کنند.



مین های سرگردان در خلیج فارس

۲۰۰۰۰ سرباز

واغ ناو جنگی آمریکایی

آمریکا اکنون در منطقه دارای ۲۰۰۰۰ سرباز و ۴۱ ناو جنگی است و بر آن سراسر است که باز بر نیروهای نظامی خود در خلیج فارس و آبهای مشرف بر آن پیافزاید. دو هفته پیش دو کشتی کوچک آمریکایی جای خود را به یک رزمناو و یک ناوشکن دادند و قرار است در هفته جاری چند کشتی جنگی آمریکایی دیگر تحت هدایت ناو میسوری، وارد دریای عمان شوند. ریچارد مورفی، رئیس بخش خاورمیانه وزارت خارجه آمریکا در این زمینه گفت: قصد ما ترساندن است و تصمیم به تحریک کردن نداریم. تا زمانی که لازم باشد حضور نظامی خود را در منطقه ادامه خواهیم داد. فرانسه و انگلیس نیز همچنان در حال تقویت نیروهای نظامی خود در خلیج فارس و دریای عمان اند. انگلستان نیز در هفته گذشته اعلام کرد که آماده نشان دادن پرچم خود بر فراز نفت کش های کوییتی به دلایل "تجاری" است.

وزیر خارجه عربستان در اجلاس هفته گذشته اتحادیه عرب بسیار فعال بود و کوشش کرد کشورهای عربی را راضی به قطع رابطه با جمهوری اسلامی کند. اکنون عربستان سعودی می کوشد تبلیغات جمهوری اسلامی در زمینه بلوای مکه را خنثی کند و با ارائه فیلم و سند نشان دهد که رژیم خمینی این غائله را آفریده است.

در هفته گذشته یک سازمان تروریستی به نام "حزب الله حجاز" در بیروت اعلام موجودیت کرد. "حزب الله حجاز" که باید دست ساخته جمهوری اسلامی باشد، تهدید کرده است که به انتقام بلوای مکه دست به عملیات تروریستی در عربستان سعودی خواهد زد.

بر حور نزدیک از نوع اسلامی - آمریکایی

در هفته گذشته مکالمه بین کشتی جنگی آمریکایی "کروم لین" و یک قایق تندروی جمهوری اسلامی در خلیج فارس از طریق بی سیم، از سوی خبرنگاران ضبط شد که به این شرح است:

- کاپیتان ناو آمریکایی، فرمانده کشتی جنگی ایرانی، اینجا کشتی جنگی ۳۷ ایالات متحده است. من فرمانده سه کشتی جنگی هستم که در حال گذر از خلیج عربی اند. ممکن است هدف کشتی چنانبعالی را بدانم؟

- فرمانده قایق جمهوری اسلامی، مادر حال حرکت در آبهای بین المللی هستیم و هیچ برنامه ای در سر نداریم. - کاپیتان ناو آمریکایی، بسیار خوب، متشکرم حضرت آقا. روز خوبی را برایتان آرزوی کنم.

- فرمانده قایق جمهوری اسلامی، من هم روز خوبی را برایتان آرزو دارم.

محاکمه همکاران مهدی هاشمی

حبیب‌اله پیمان، با ارسال نامه‌ای به روزنامه اطلاعات، هرگونه ارتباط خود را با جریان مهدی هاشمی و گروه وی تکذیب کرد.

یکی از اتهامات مهدی هاشمی، پخش شناسنامه چاپ و توزیع بخشی از نامه پیمان به منتظری اعلام شده است. پیمان این نامه را در مهرماه سال ۶۴ خطاب به منتظری نوشته بود.

پیمان در تکذیب نامه ارسالی خود به روزنامه اطلاعات نوشته است، "نحوه طرح و برخورد با نامه مذکور در کیفرخواست دادستان و در جلسه دادگاه این شبهه را پدید آورد که... گویا چاپ و تکثیر این نامه به سهم خود دلیل یا قرینه‌ای دال بر مجرمیت متهم می‌باشد. این شبهه بطور غیرمستقیم مطالب نامه را زیر سؤال می‌برد."



دو تن از همکاران مهدی هاشمی در جلسه دادگاه

محاکمه دو تن از همکاران مهدی هاشمی، روز ۲۹ مرداد در دادگاه ویژه روحانیت در اوین، آغاز شد. بخشی از اتهامات این دو تن که به عنوان عاملین مهدی هاشمی دستگیر شده‌اند، عبارتست از قتل و آدم ربایی، نگاهداری اسلحه و مواد منفجره، نگاهداری اسناد مجرمانه و فعالیت مخفی علیه جمهوری اسلامی. جلسه محاکمه به ریاست حجت الاسلام رازینی حاکم شرع و فلاحيان دادستان و با شرکت مهدی هاشمی برگزار گردید. حکم نهایی دادگاه روحانیت در مورد این دو تن و مهدی هاشمی اعلام نشده است. محاکمه خود مهدی هاشمی هفته گذشته پایان یافت و وی از طرف دادگاه ویژه روحانیت به عنوان "مفسد و محارب" شناخته شد.

در جریان محاکمه "عاملین مهدی هاشمی"،

خامنه‌ای، زمان پایان جنگ، نامشخص است

روز دوشنبه دوم شهریورماه سومین سینیار بررسی چگونگی ادامه جنگ، در تهران آغاز به کار کرد. در این سینیار همه دست‌اندرکاران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از جمله خامنه‌ای، رفسنجانی، موسوی، رضایی فرمانده پاسداران، سهرابی رئیس ستاد مشترک ارتش، رفیق دوست وزیر سپاه، استناداران و وزیر آموزش و پرورش شرکت داشتند.

به گزارش رادیو جمهوری اسلامی شرکت کنندگان در سینیار در پنج کمیسیون مختلف راههای جلب هرچه بیشتر نیرو به جبهه را مورد بحث و بررسی قرار دادند.

به تصمیم سینیار از روز چهاردهم شهریور نیروهای جدیدی از بسیج شدگان، تحت نام "حماسه سازان عاشورا" به جبهه اعزام خواهند شد.

یک روز پیش از برگزاری این سینیار، خامنه‌ای در جلسه "اثنه جمعه و جماعات استانیهای تهران و مرکزی" که به منظور توجیه برنامه‌های سپاه پاسداران برای اعزام سراسری تشکیل شده بود، گفت: "هرگز برای پایان جنگ نمی‌شود زمانی را مشخص کرد. جنگ یک مقوله پیچیده است که حل آن نیاز به زمان، امکانات و شرایط دارد..."

حافظ اسد به ابر ان سفر می‌کند

خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه کویتی القبس، اعلام کرد قرار است در آینده نزدیک حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه جهت انتقال برخی پیشنهادهای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج، به تهران سفر کند.

روزنامه القبس با استناد به منابع دیپلماتیک سوریه، نوشت، سفر حافظ اسد به تهران به درخواست شیخ زاید بن سلطان رئیس امارات متحده عربی صورت می‌گیرد.

شیخ زاید که در حال حاضر ریاست شورای همکاری خلیج فارس را عهده دار است، هفته گذشته در دمشق با حافظ اسد دیدار کرد. رهبران سوریه می‌گویند که در حال حاضر قادر به انجام نقش فعالتری برای پایان بخشیدن به جنگند.

لر اردادیک میلیار دپوشدی

ایران وانگلیس

به نوشته روزنامه گاردین چاپ لندن، انحصار انگلیسی "لرنهو" اخیراً قراردادی با جمهوری اسلامی به امضای رسانده است که بر مبنای آن در مقابل تمویل گرفتن سالانه یک میلیارد پوند نفت خام، مواد غذایی به ایران صادر خواهد کرد.

انحصار انگلیسی لرنهو علاوه بر فعالیت در رشته صدور مواد غذایی در زمینه فروش تجهیزات و سلاح‌های جنگی نیز فعالیت دارد.

پس از بر ملا شدن قضیه سفر مک‌فارلین به تهران، نام شرکت "لرنهو" در انگلستان نیز به عنوان یکی از منابع تهیه‌کننده سلاح جمهوری اسلامی سر زبان‌ها افتاد.

دانش آموزان در مدارس به صورت گردان و گروهان نظامی دسته بندی می‌شوند

در ادامه سخنان خود توضیح داد که از سال آینده، در هر مدرسه سه تا چهار دانش آموز به عضویت گروه رابط ستاد جنگ و سپاه در می‌آیند. همچنین اعلام شد طبق تصمیم وزارت آموزش و پرورش، دانش آموزانی که نمی‌توانند به جنگند ولی قادر به اجرای برنامه فیزی هستند، به همین منظور به جبهه اعزام خواهند شد.

وی در پایان متذکر شد برای جلب بیشتر دانش آموزان به تشکیلات پاسداران، از سال تحصیلی آینده طرح پاسدار - دانش آموز در ابعاد بیشتر به کار گرفته خواهد شد.

به نوشته کیهان ۲۷ مرداد، طرح سازمان رزمی دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه سراسر کشور توسط شورایی عالی پشتیبانی جنگ به تصویب رسیده است. کنفرانسی معاون جنگ وزارت آموزش و پرورش، ضمن اعلام این خبر، توضیح داد: "بر اساس این طرح کلیه دانش آموزان راهنمایی و دبیرستانهای پسرانه بصورت دسته، گروهان و گردان در مدارس سازماندهی می‌شوند و با لباس رزم بر اساس تصمیم کمیته فرهنگی دولت هر روز یا زمان خاصی سرکلاس درس حضور می‌یابند."

معاون ستاد جنگ وزارت آموزش و پرورش

نرخ ارزها در بازار آزاد تهران

ریال رسید.

گزارش مطبوعات جمهوری اسلامی از مراکز فروش ارز آزاد در سطح تهران حاکی از آن است که روز یکشنبه ۲۵ مرداد، علیرغم کاهش نسبی ارزش برابری ارزهای عمده نسبت به ریال، قیمت هر دلار ۱۰۵۰ و هر پوند ۱۶۷۰ ریال بوده است. در این روز مارک آلمان فدرال به عنوان ارز عمده و معتبر، نسبت به ریال هیچ گونه تغییری نکرد.

طبق همین گزارش، هر "سکه بهار آزادی" در روز بررسی قیمت‌ها، معادل ۱۰۸۰۰۰ ریال در سطح بازار آزاد تهران معامله شد. بقیه در صفحه ۱۴

قاسمی رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی، روز یکشنبه ۲۵ مرداد طی مصاحبه‌ای اعلام کرد: "ضرابخانه بانک مرکزی در ۲ شیفت کار مشغول به ضرب سکه بهار آزادی می‌باشد و اکنون آمادگی تحویل ۵۰۰ هزار سکه طلای بهار آزادی را دارد می‌باشد." قاسمی متذکر شد که سکه‌های جدید در اختیار کسانی که قبلاً نامنویسی کرده‌اند، قرار خواهد گرفت.

به ادعای مطبوعات جمهوری اسلامی دو روز بعد از انتشار خبر توزیع سکه طلا، در سطح بازار آزاد تهران قیمت هر دلار ۲۰ ریال کاهش یافت و به ۱۰۲۰

خبرهایی از میان آنچه که در کارخانه ها می گذرد

روستائیان، اکنون با طرح ضرر دمی کارخانه، ساعت کار کارگران را از دو شیفت نوبتی به یک شیفت ۸ ساعته تقلیل داده است که در نتیجه آن بسیاری از کارگران با خطر اخراج مواجه هستند. همچنین بدنبال این تغییرات در ساعات کار، از حقوق هر کارگر بطور متوسط ۱۰۰ تا ۱۵۰ تومان پابست حق شیفت و جمعه کاری کسر می شود. اکنون مدیریت می خواهد با فشار به کارگران، طرح تعطیلی کارخانه و تهدید به اخراج آنان را که اکثرا از اهالی روستاهای اطراف هستند، به مقابله با روستائیان و ادار سازد. کارگران تاکنون در مورد بهره برداری از معدن در کنار مردم روستای رستان ایستاده اند و در مقابل تعطیلی کارخانه و کسری حقوق اعتراضات خود را بصورت پراکنده و شفاهی اعلام می کنند.

همانطور که قبلا نیز در اخبار کارگری "اکثریت" نوشته بودیم، رژیم بمنظور کنترل کارگران کارخانجات اقدام به صدور شناسنامه های کار برای کارگران نموده است. این شناسنامه ها، دفترچه های سفید رنگ چند صفحه ای است که در آن ضمن قید مشخصات کارگران، نقل و انتقالات آنان ثبت می شود و رژیم از این طریق کارگران تمام واحدهای تولیدی را تحت کنترل سازمانهای اطلاعاتی در می آورد. در این دفترچه ها، علت ترک شغل و یا انتقال ثبت می شود. کارگران بعد از ترک یک واحد تولیدی موظفند دفترچه را به وزارت کار ببرند و در آنجا بعد از بازجویی مامورین رژیم، علت ترک شغل در دفترچه ثبت شود و نیز استخدام جدید آنان نیز باید در این دفترچه مشخص گردد. ترتیب شماره گذاری این دفترچه ها به نحوی است که ثبت و کنترل کامپیوتری آنها را مقدور می کند. رژیم برای وادار کردن کارگران به گرفتن شناسنامه کار، ارائه بن کارگری را موکول به تحویل آن کرده است.

واگذاری کارخانجات ملی شده به صاحبان و سهامداران آنها از طرف رژیم در سال گذشته، نسبت به پیش موارد زیادتری را شامل گردید. برخی از این موارد در روزنامه های دولتی نیز بازتاب یافت که از آن جمله واگذاری شرکت های ایران چوبه و کارخانه ها و شرکت های برادران کاشانی است. بسیاری دیگر از این موارد بی هیچ سروصدایی به صاحبان غارتگر و فراری آنان تحویل گردید که چند مورد از آنها عبارتند از:

- شرکت شهدکام که در آبان ماه به سهامداران آن تحویل گردید.
- کارخانه های قندکرج، قند شازنداراک، قند اصفهان و کارخانه قند قزوین در ۱۹ آبان ماه به بنیاد مستضعفین و سهامداران آنها واگذار شد.
- شرکت کشاورزی عمران و آبادی پستان در تاریخ ۱۲ بهمن ماه به صاحبانش تحویل گردید.
- شرکت تیر پاسوتوریزه باختران در ۱۴ بهمن ماه به سهامداران آن واگذار شد.
- شرکت سیپورکس تولیدکننده پانلهای پیش ساخته ساختمانی در تاریخ ۲۷ دیماه به سهامدار عمده آن تحویل داده شد.
- شرکت آرد دستاس در تاریخ ۲۳ بهمن ماه تحویل گردید.
- شرکت ایران کف در تاریخ ۱۷ اسفند ماه واگذار شد.
- شرکت صنایع پشم اصفهان به سهامداران آن حسین مهدانیان و "بنیاد خیریه علی" واگذار شد.

● اوایل خرداد ماه مدیریت کارخانه کج تهران طی اطلاعیه ای بخاطر کاهش تولید خبر از احتمال تعطیلی کارخانه را داد. علت کاهش تولید این کارخانه که در اطلاعیه مدیریت میزان آن از ۲۰۰ تن به ۸۰ تن ذکر شده است، بخاطر ممانعت اهالی روستای رستان در نزدیکی محل کارخانه از بهره برداری سنگ توسط کارخانه کج است.

اهالی روستای رستان در گذشته بخاطر آلودگی محیط ناشی از نحوه تولید این کارخانه، مسترا مبلتی در ازای ضایعات حاصله دریافت می کردند. مدیریت کارخانه از مدتی قبل از پرداخت این مبلغ خودداری ورزید. روستائیان رستان نیز در اقدام متقابل، متحدان با اقدامات بهره برداری توسط کارخانه مقابله کرده و مانع آن گردیدند. تاکنون، در چندین مورد ماموران ژاندارمری برای مقابله با روستائیان به محل معدن، اعزام شده اند ولی هر بار در نتیجه مقاومت یکپارچه آنان نتوانسته اند کاری از پیش ببرند. در آخرین مورد، اهالی روستا با خوابیدن در زیر بلدوزر و لودرها که ماموران ژاندارمری آنها را می کردند، مانع حرکت آنها شدند.

مدیریت کارخانه بجای توجه به خواست هر حق

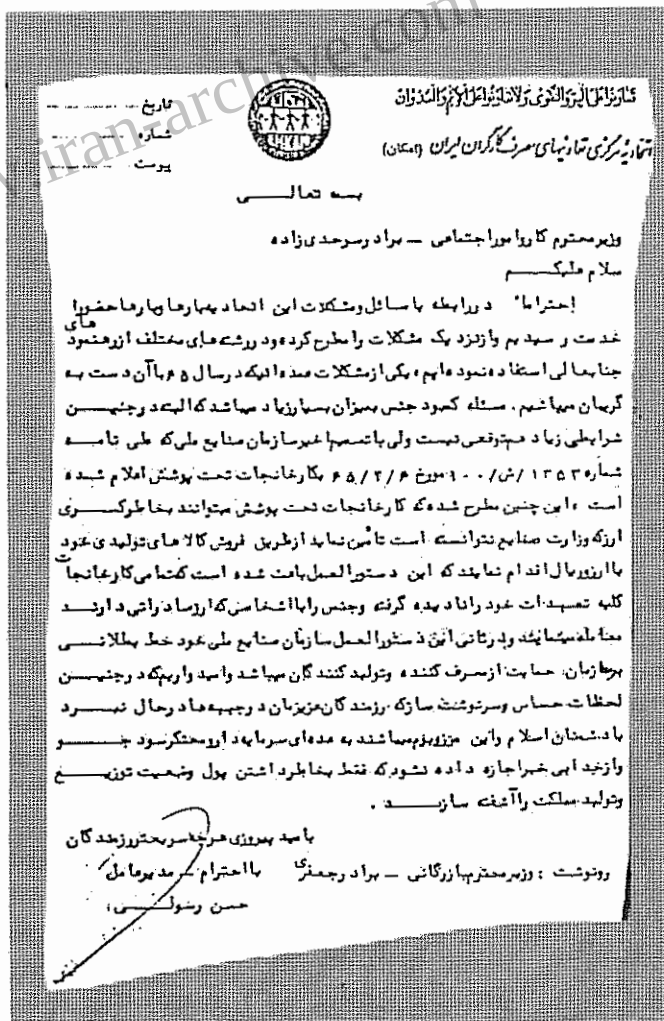
● کارگران کارخانه ریسندگی تفلیلی واقع در جاده آرمکاه، اکنون بعزت عدم تولید و تعطیلی کارخانه، مدت ۵ ماه است که حقوق نگرفته اند. کارگران هر روز با مراجعه به کارخانه و بعد از زدن کارت، خواستار دریافت حقوق عقب افتاده خود می شوند ولی تاکنون اداره کارشهری و نیز وزارت کار هیچ گونه اقدامی در این رابطه انجام نداده اند.

● اواسط خرداد ماه مدیریت کارخانه دولتی سینتاطی اطلاعیه ای از کارگران و کارکنان کارخانه خواست که خود را در اوطنهانه باز خرید نمایند. گفته می شود این کارخانه به صاحبان فراری آنجا بازگردانده می شود.

● هنوز بن های کارگری که قبل از عید وعده پرداخت آنها اعلام شده بود، به کارگران داده نشده است. با توجه به قیمت سرسام آور مایحتاج عمومی از قبیل برنج و قند و شکر و... در بازار آزاد، طرح تحویل این بن ها که گفته می شد شامل کالاهای اساسی خواهد بود، این انتظار را در کارگران بوجود آورده بود که به بخش ناچیزی از نیازهای معیشتی خود دست

خواهند یافت. اما هنوز بعد از گذشت چندین ماه از اعلام خبر تحویل بن ها رژیم هیچ اقدامی در این رابطه انجام نداده است. قبلا اعلام شده بود که بن کارگری به کسی تعلق خواهد گرفت که ۲۰ روز کامل کارکرد دارد که این مسئله بدنبال اعتراضات کارگران، به ۲۰ روز کارکرد تغییر کرد. همچنین اعلام شده است که این بن ها فقط کارگران متاهل را شامل می شود. کارگران در اعتراض به این مسئله، خواستار تحویل بن به تمامی کارگران اعم از متاهل و مجرد و بازنشسته هستند. رژیم با محروم کردن کارگران بازنشسته و کارگران مجرد در واقع آنها را از بخشی از حقوقشان (که بصورت بن داده می شود) محروم می کند.

در رابطه با بن کارگری، اکنون شایعه تحویل کالاهای بنجل و پدرنخور بجای کالاهای اساسی، نگرانی و اعتراضات کارگران را شدیداً برانگیخته است. کارگران خواستار تحویل کالاهای اساسی با قیمت اجناس کوپنی هستند.



به تعاونی های مصرف کارگران کالایی نمی رسد، چرا که دلار در اختیار ندارند

بیمه بیکاری کارگران و رضایت کامل کارفرمایان

بقیه از صفحه اول

کشورهای سابقه دار از پیش رفته سابقه دار و طولانی دارد و یکی از دستاوردهای جنبش کارگری آن کشورها مصوب می شود. اما لایحه بیمه بیکاری مصوب رژیم در واقعیت امر نه بیمه است و نه بیمه بیکاری است، بلکه تمهیدی است از سوی رژیم برای حراست از سود صاحبان افزایش تولید. بر این جمله بگونه ای مدل نظری بیافکنیم و پیش از آن زمینه های اقتصادی و اجتماعی طرح و تصویب لایحه را مرور کنیم.

شعار بیمه بیکاری در همان ماههای نخست پس از پیروزی انقلاب از سوی جنبش کارگری کشور مطرح شد، اما رژیم کارگرسنتر خمینی نه تنها کمترین ترتیب اثری به وضع کارگران بیکار نداد، بلکه از همان ابتدا برای بازپس گیری دستاوردهای جنبش کارگری بطور فعال پا به عرصه کارزار نهاد. از آن هنگام که شعار بیمه بیکاری از سوی کارگران مطرح شد تا امروز که رژیم لایحه آزار به تصویب رسانده است نزدیک به ۸ سال می گذرد. پرسش اینست که لایحه مصوب رژیم از چه مضامینی برخوردار بوده و چرا امروز رژیم ب فکر تصویب آن افتاده است؟ پاسخ این پرسش در یک کلام چنین است: لایحه بیمه بیکاری مصوب رژیم، محصول بحران حاد اقتصادی است.

بحران ارزی و مالی که در پی سقوط بهای نفت و کاهش ارزش دلار به فاز جدید وارد شد، چرخهای بسیاری از صنایع و واحدهای تولیدی - بویژه واحدهای موسوم به "واحدهای ازبر" - را از دور حرکت بازداشت و با موجب بروز اختلال در گردش تولیدی آنها شد. در همان هنگام اجلاس اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن فاش کرد که پی آمد این بحران، خطر بیکاری نزدیک به سه میلیون کارگر کشور است. روند اخراجهای فردی و گروهی کارگران شتاب گرفت. کارفرمایان در پناه وزارت کار و قانون کار باتوسل به بهانه های مختلف کارگران را از کار اخراج کردند. شیوه "بازخرید اجباری" به سیاست رایج بدل شد. اخراج گسترده کارگران در شرایطی صورت گرفت که ارتش بیکاران خود از شمار بیرون بود. روزنامه کیهان ۲۱ دیماه سال ۶۵ در مقاله ای پیرامون نتایج

"سرشماری نفوس و مسکن" فاش کرده بود که همه ساله نیم میلیون نفر بر تعداد بیکاران کشور افزوده می شود و در چنین شرایطی بود که سیاست اخراج گسترده بر ابعاد بیکاری کشور سخت افزود.

لایحه بیمه بیکاری چنانکه گفته شد، محصول بحران اقتصادی بود و بی آنکه به مشکلات بیکاران متوجه باشد به مصالح اقتصادی و اجتماعی رژیم چشم داشت. رژیم با طرح و تصویب لایحه بیمه بیکاری از یکسو می کوشد، از بی آمدهای "سیاسی و اجتماعی" بیکاری فزاینده بکاهد و از سوی دیگر سیاست اخراج کارگران را "مقرون به صرفه" کند.

حجت الاسلام فخرالدین هاشمی نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در دیماه ۶۵ پس از تصویب لایحه بیمه بیکاری در هیات وزیران گفت: "تازه اگر به اینها کارگران بیکار کمک نشود و پولی ندهند، باعث می شود که مشکلات در جامعه بوجود آید. وقتی که یک کارگری بیکار می شود و امکاناتی برایش نیست و بیمه نگردد، در در و گرفتاری بیشتری در جامعه ایجاد می کند." (کیهان ۱۵/۱/۶۵)

از جانب دیگر، لایحه بیمه بیکاری بمثابة بخشی از "سیاست نوین اقتصادی" رژیم، دست افزاری است برای پیشبرد سیاست اخراج ارزان. لایحه بیمه بیکاری، در واقعیت امر بیمه نیست، بلکه پرداخت وجه باز خرید کارگر اخراج شده است به شکل اقساط ماهانه و در عین حال پرداختی است بسیار کمتر از وجه باز خرید. این لایحه، همچنین، بیمه بیکاری نیست، چرا که خیل عظیم ارتش بیکاران را در بر نمی گیرد. مختصات این لایحه را با بررسی مشخصه های زیر می توان باز شناخت.

۱ - رابطه لایحه با امنیت شغلی کارگران

۲ - نحوه تامین هزینه لایحه
۳ - نحوه پرداخت بیمه بیکاری
۴ - کارگران مشمول طرح
۵ - شیوه استخدام ارزان
پیش از بررسی مختصر هر یک از مختصات فوق الذکر، باید خاطر نشان کرد مفاد لایحه بیمه بیکاری از زمان طرح آن توسط هیات وزیران تا هنگام تصویب آن در مجلس شورای نگهبان دستخوش تغییراتی شده است. سنت این تغییرات، ارتجاعی تر شدن مفاد این لایحه است.

۱ - رابطه لایحه با امنیت شغلی کارگران

هنوز لایحه به تصویب نرسیده بود که مسئولین مملکتی با پراه انداختن یک چنجال تبلیغاتی کوشیدند، این لایحه را در خدمت تامین امنیت شغلی کارگران معرفی نمایند. امنیت شغلی کارگران که در جریان حدت و شدت گیری بحران اقتصادی بطور مداوم زیر ضرب سود کارفرمایان دولتی خصوصی قرار گرفته بود، نه تنها پس از تصویب این لایحه تامین نمی گردد، بلکه پشت به خطر افتاده است. چرا که تصویب لایحه بیمه بیکاری، ابزار لازم را فراهم می سازد تا کارفرمایان بتوانند سهولت و به شکل قانونی به سیاست اخراجهای گسترده خود جامه عمل بپوشند. پیش از این کارفرمایان در راستای پیشبرد سیاست اخراجهای گسترده، ناگزیر به آن بودند که بر اساس سابقه کار کارگر، وجهی را بعنوان باز خرید به کارگر اخراج شده پرداخت نمایند. پرداخت این وجه و آنگاه که اخراج به شکل گروهی و دست جمعی مطرح می شد، بسیار سنگین گشته و بمثابة مانعی در جهت پیشبرد سیاست اخراجهای گسترده عمل می کرد. در پی تصویب لایحه بیمه بیکاری، کارفرمایان قادر خواهند بود که از پرداخت یکباره وجه باز خرید اجتناب ورزیده و کارگران را در مقابل پرداخت وجه مختصری بعنوان سهم بیمه بیکاری اخراج کنند. از اینرو لایحه بیمه بیکاری نه تنها تامین کننده امنیت شغلی کارگران نیست، بلکه زمینه ساز و عامل اخراج گسترده کارگران، زمینه ساز اخراج ارزان کارگران از واحدهای تولیدی و صنعتی است.

۲ - نحوه تامین هزینه لایحه

بحران ارزی و مالی حاکم بر کشور، ابعاد بی سابقه ای یافته است. رژیم برای مقابله با این بحران و با بعبارت دیگر برای تخفیف دادن شدت آن که بمعنای انتقال بار اصلی بحران به دوش توده های زحمتکش کشور است، "سیاست نوین اقتصادی" را در پیش گرفت. "سیاست نوین اقتصادی" را هرگاه از رنگ و لعاب تبلیغاتی آن پاک کنیم تنها دو معنی در بر دارد: دست و دلبازی بی حد و حصر در امر جنگ و صرفه جوئی اکید و سیاستهای امساک چریانه در تمامی عرصه های

اقتصادی و اجتماعی.

بر پستر چنان سیاستی، رژیم لایحه بیمه بیکاری را تنظیم کرده است. کارشناسان دولتی لایحه بیمه بیکاری را بگونه ای تهیه کرده اند که دولت در تامین هزینه های انجام آن، کمترین نقش را بر عهده داشته باشد. بر اساس مفاد این لایحه، کارفرمایان همه ماهه مبلغی به نسبت ۲ درصد دستمزد کارگران را به صندوق بیمه بیکاری پرداخت کرده و دولت بر اساس همین مبالغ دریافتی طرح پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اخراجی راهبینه می کند. باید در خصوص پرداخت ۲ درصد از دستمزد کارگران از سوی کارفرمایان تأمل کرد، اما پیش از آن ضرورت دارد که نقش دولت را در تامین هزینه های لایحه بنا به اعترافات مسئولین مملکتی مورد توجه قرار داد. حجت الاسلام موسوی پور نماینده مجلس و عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در زمان طرح لایحه بیمه بیکاری - دیماه ۶۵ - درباره نقش دولت در تامین هزینه لایحه گفت: "این لایحه برای دولت بار مالی ندارد. روشی که این لایحه در تامین هزینه های خود دارد اینست که از کارفرما و کارگر حق بیمه می گیرد که همین وجه را در واقع بعنوان بیمه بیکاری به افراد بیکار می دهند."

(کیهان ۱۵ دیماه ۶۵)
بنابر مفاد این لایحه، پیشبرد طرح بیمه بیکاری برای دولت چندان هزینه ای در بر ندارد، اما باید دید وضع کارفرمایان چگونه است؟ در طرح مصوب هیات وزیران در دیماه سال ۶۵، پیش بینی شده بود که کارگر و کارفرما مجموعاً پنج درصد از حقوق کارگر را بعنوان بیمه بیکاری به صندوق ویژه آن پرداخت کنند. بر اساس آن طرح پرداخت ۴/۵ درصد بر عهده کارفرما و ۰/۵ درصد بر عهده کارگر شاغل بود. کارفرمایان حاضر به پرداخت این وجه نشدند. در همین راستا بود که طرح مصوب مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان سهم پرداختی کارفرمایان را از ۴/۵ درصد به ۲ درصد تنزل دادند. و این کاملاً بسود کارفرما بود، چرا که کارفرمایان بواسطه این قادر می شوند از پرداخت وجه باز خرید به کارگران اخراجی اجتناب ورزیده و تنها بخشی از آنرا بعنوان بیمه بیکاری پرداخت کنند.

حجت الاسلام موسوی پور عضو کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در همان هنگام طرح بیمه بیکاری با

دریافت مستمری بشود، براساس مفاد لایحه، هر آن احتمال قطع آن وجود دارد. بند "ه" ماده ۸ لایحه بیمه بیکاری درواقع یکی از وجوه اصلی روح ارتجاعی لایحه محسوب می‌شود. کارفرمایان با استفاده از این بند قادر خواهند شد که کارگران اخراج شده مستمری بگیرند و در صورت امتناع کارگر از پذیرش کار جدید با حداقل میزان دستمزد، بلاواسطه مقرر ایام بیکاری وی قطع خواهد شد. در بند ۸ ماده ۸ تصریح شده است: "در مورد زیر مقرر ایام بیکاری قطع خواهد شد، هرگاه کارگر به نحوی از انحاء با دریافت مزد ایام بلا تکلیفی به کار مربوطه اعاده کرده، وی از پذیرش کار امتناع ورزد." بواسطه این بند لایحه بیمه بیکاری رژیم قادر خواهد بود که کارگران اخراجی را با حداقل دستمزد مجدداً استخدام و یا مستمری بیکاری آنان را قطع کند.

لایحه بیمه بیکاری مصوب شورای نگهبان، حربه اخراج گسترده‌تر، ارزان‌تر و بی‌دردتر کارگران، دست افزار استثمار وحشیانه‌تر کارگران و وسیله استخدام ارزان کارگران است. لایحه بیمه بیکاری، کارگران را در پراهر خطر بیکار شدن بیمه نمی‌کند، بلکه کارفرمایان دولتی و خصوصی رادر مقابل پی‌آمدهای اخراجهای گسترده بیمه می‌کند. اما برآستی چه کسی می‌تواند زندگی استثمارگران و غارتگران را بیمه کند، آنگاه که کارگران پایه میدان می‌نهند؟

اخراجی، در واقع بهای تخفیف سهم بیمه پرداختی کارفرمایان از ۴/۵ به ۲ درصد است.

۴- کارگران مشمول طرح

دامنه شمول لایحه به حدی محدود است که حتی همه کارگران اخراج شده را نیز در بر نمی‌گیرد. بیکاران و از جمله نیم میلیون بیکاری که هر ساله بهر جمع بیکاران کشور افزوده می‌گردند، در طرح نمی‌گنجند. رژیم در نحوه تنظیم مفاد لایحه بگونه‌ای عمل کرده است که بخش کثیری از کارگران اخراجی نیز از دریافت مستمری پیش‌بینی شده در طرح محروم اند. کارگرانی که پیش از سال ۶۵ اخراج شده‌اند، شامل طرح نمی‌شوند. این درحالیست که سیاست اخراج گسترده رژیم محدود به سال ۶۵ و سال ۶۶ نیست. علاوه بر آن کارگرانی که از سال ۶۵ بیمه پرداخت نکرده باشند، شامل طرح نمی‌شوند. باید خاطر نشان ساخت که بخش مهمی از کارگران کشور زیر پوشش بیمه نیستند. حتی کارگرانی که از سال ۶۵ به بعد اخراج شده باشند و بیمه هم پرداخت کرده باشند، باز نمی‌توانند از مستمری بیکاری استفاده کنند مگر آنکه شایستگی آنان در استفاده از مستمری به تأیید کارفرما، شورای اسلامی کار و تأیید وزارت کار و امور اجتماعی رسیده باشد.

۵- شبهه استخدام ارزان

حتی اگر کارگری موفق به

کارگران اخراجی اظهار داشت: "سقف پرداخت بیمه بیکاری را با حداقل دستمزد بررسی کرده‌ایم و گفته شده برای کارگر مجرد حداقل حقوق پرداخت می‌شود و این پرداخت تا سه سال ادامه خواهد یافت و در سال سوم به دوسوم حداقل دستمزد برای مجردین کاهش پیدا خواهد کرد. اما برای کارگران متأهل به نسبت مریک از افراد تحت تکفل تا ۴ نفر ۲۰ درصد به حداقل دستمزد افزوده خواهد شد."

هرگاه از بحث اصلی پیرامون این موضوع که پرداخت حداقل دستمزد با توجه به تورم و گرانی حاکم بر کشور بهیچ وجه پاسخگوی حداقل مایحتاج زندگی کارگران نیست، صرف نظر نمائیم، کافی است که خاطر نشان شود، رژیم براساس طرح مصوب مجلس شورای نگهبان حتی از پرداخت همین وجه ناکافی نیز تن زده است. سیعی معاون طرح و برنامه وزارت کار و امور استخدامی رژیم پس از تصویب نهائی لایحه بیمه بیکاری فاش کرد: "مدت و میزان پرداخت مستمری برای افراد مجرد ۱۲ ماه و میزان حداقل مزد تصویب شده شورای عالی کار و برای افراد متأهل ۲۴ ماه و حداکثر ۸۰ درصد پیش از مستمری افزاد مجرد خواهد بود." (کیهان ۲۶ مرداد ۶۶)

براین اساس مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران اخراج شده مجرد از سه سال به یکسال و مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران اخراج شده متأهل از سه سال به دو سال کاهش یافته است. کاهش مدت زمان پرداخت مستمری به کارگران

صراحت تمام، مزایای طرح برای کارفرمایان راهمی‌شمارد. وی گفت: "براساس قانون کار اگر کارگری بدون میل واراده از کار بیکار شود، کارفرما موظف است که خسارت بیکاری کارگر را بپردازد. اگر سابقه کارگر را ۱۰ سال حساب کنیم شاید کارفرما مجبور باشد که یک دفعه ۱۰۰ هزار تومان به کارگر بپردازد. اما وقتی که بپاید این رادر پوشش بیمه بیکاری انجام دهد و درصدی را بعنوان حق بیمه پرداخت کند، اولاً از پرداخت یک وجه بسیار زیاد ناگهانی دور است، ثانیاً ممکن است میزان پرداخت حق بیمه هرگز معادل خسارتهایی که کارفرما بابت بیکار شدن کارگر می‌پردازد نباشد، ثالثاً نیروی متخصص را به این طریق از دست نمی‌دهد." (کیهان ۱۵ دیماه ۶۵)

سیعی معاون طرح و برنامه وزارت کار و امور اجتماعی رژیم نیز لایحه بیمه بیکاری را کاملاً بسود کارفرما معرفی می‌کند. وی در مصاحبه‌ای با کیهان ۲۶ مرداد ۶۶ صریحاً اعلام کرد: "در حال حاضر در صورت بروز اشکالاتی در روند تولید و یا توقف کارگاه طبق قانون کار، کارفرمایان مجبورند کارگران خود را بدون کار و تولید نگهداشته و به آنان حقوق و دستمزد پرداخت کنند و یا با توجه به سوابق کاری کارگران آنها را با ز خرید و اخراج نمایند که در هر صورت کارفرما متحمل هزینه و خسارت زیاد می‌گردد." بدین ترتیب است که کارفرمایان از مزایای لایحه بیمه بیکاری استفاده کرده و نسبت به تصویب آن از سوی مجلس شورای نگهبان اظهار خرسندی و رضایت می‌کنند.

۲- نحوه پرداخت بیمه بیکاری

نحوه پرداخت بیمه بیکاری به کارگران اخراجی نیز از زمان طرح آن تا تصویب دستخوش تغییراتی شده است. پیش از این گفته شد که مجلس شورای نگهبان سهم پرداختی بیمه توسط کارفرمایان را از ۴/۵ درصد به ۲ درصد کاهش دادند، اینک ضروری است که دانسته شود این کاهش سهم و این تخفیف ویژه به کارفرمایان از کدام حساب تأمین شده است.

حسین کمالی نماینده مجلس و رئیس کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در دیماه سال ۶۵، همزمان با تصویب لایحه در هیات وزیران درباره سقف پرداختی بیمه بیکاری به



گزارشی از بهشت زهرا

به قلم پترشوت، نویسنده آلمانی



بقیه از صفحه آخر

کرده اند. دسته های کلاغان که قارقار می کنند، و گله های بزمایی که استخوانهایشان از پشت پوستشان پیداست، و کودکان ژنده پوش، در میان زباله ها به دنبال چیزهای پدرد بخور می گردند. بوی گند زباله ها، کمی بیشتر که به سمت جنوب می رویم، با بوی کزنده و گوگردی آجرپزیهای بی شماری که با تعلق حاشیه کویر را با دود بسیار به آجر تبدیل می کنند، در هم می آمیزد. مرتب، پرندگان را می بینی که بیجان از این دودسی، به زمین می افتند. اگر باد از سمت نامساعد بوزد، دود و بوی زباله ها و آجرپزیها، به طرف کورها رانده می شود و بر روی قبرستان آنچنان پرده ای می کشد که حتی خورشید تابان کویر را هم بی رمق می کند.

باعبور از میان دومناره که به آنها لامپهای رنگی، پرچمهای قرمز و سبز و شارهایی در ستایش شهادت آویخته اند، وارد "بهشت" زهرا، دختر پیامبر، می شویم. از دروازه ورودی، مراقبت نظامی می کنند. پاسداران، هر ژنده و هر مرده ای را که بخواهد وارد قلمرو مردگان شود، به دقت بازرسی می کنند. بلافاصله پشت دروازه بهشت، یک تانک زنگ زده آمریکایی از میان کورها سر بر آورده است. این، اولین تانکی بوده که پس از باز پس گیری شهر خرمشهر، وارد خاک عراق شده است. در آن هنگام،

در سال ۱۹۸۲، این ورود به خاک دشمن به بهای "شهادت" هر دوازده سرنشین تانک تمام شد. پاداش آنها، کوری در پای تابوت آئینشان است. کل لاله، نشانه "شهادی" جنگ خلیج است. پادسته ای از این گل، به صف آنها می پیوندم که قبل از شروع ماه رمضان آمده اند تا از گور نزدیکانشان دیدن کنند. مزرعه مرگ، در بر اهرم همچون کشتزار پهنای کور مردان و زنان بر روی آن محصول را برداشت می کنند، دامن گسترده است. کورستان، به مربعهایی تقسیم شده که در آن، مرده می کارند. انبوه کورها درست به همان سادگی و بی رنگی زاغه های فقرا در جنوب تهران است. بر بسیاری از کورها نامی نوشته نیست. بر روی کورهای دیگر، سنگهایی است که یک نام و دو سال، و احیاناً آیه ای از قرآن نوشته اند. گاه یک تابلوی آلومینیومی با عکس از مرده و یک دسته گل پلاستیکی رنگ و رو رفته نیز روی قبرها دیده می شود...

برخی قطعات کورستان را باسیم محصور کرده اند. پاسداران در کنار این قطعات نگهبانی می دهند تا باز دید کنندگان را بترسانند و جلوی مراسم نامطلوب عزاداری را بگیرند. بیشتر این کورهای بی نام، متعلق به مجاهدینی است که هزار هزار اعدام شده اند...

اکنون بخش اعظم مساحت کورستان تهران را قبرهای کشتگان

جنگ برگرفته است. هیچ کس از آنها نمی داند که طرف صحبت من بودند، نتوانست و یا نخواست شمار "شهیدانی" را که در بهشت زهرا مدفونند به من بگویند. قطعاً بیش از صد هزارند. برخی، تعدادشان را بیش از ۱۲۰ هزار، و برخی دیگر حتی ۱۵۰ هزار تخمین می زنند. اما هیچ کس، تعداد دقیق قربانیان دفن شده را نمی داند. این رقم، جزو اسرار دولتی است، و هر کس آن را فاش کند، باید محاکمه شدن در دادگاه اسلامی را بپذیرد. در این گورستان، تنها کسانی آرامش دارند که در عقب زمین، از سرو صدای بلندگوها چیزی نمی شنود؛ مرگ بر صدام، مرگ بر اسرائیل، مرگ بر آمریکا، مرگ، مرگ، مرگ... این صدا از بلندگوهای نصب شده بر سر هر ردیف برمی خیزد. گویی می خواهد مردگان را یک بار دیگر به جنگ بفرستد. پدنهال این شعارها، آیه های قرآن را به عربی می خوانند، مارشهای بروسی-آلمانی می نوازند و نوحه های گوشخراش شیعی بخش می کنند. انکار می خواهند به هر قیمت که شده، آرامش قبر را از کشتگان بکنند و یا رخصت اندیشیدن را از زندگان.

هر چه که در زندگی روزمره تهران، هرچ و هرچ، بی مقرانی و بی قانونی حاکم است، در کورستان به میزان قابل توجهی انضباط نظامی برقرار است. سوگواری را اکیدا کنترل و هدایت می کنند. مردگان یک

نسل ایرانی، شانه به شانه و ردیف به ردیف مدفونند. بر سر هر قبر، تابلوی متحدالشکلی از آلومینیوم و شیشه گذاشته اند که در آن، تصویر فرد، نام او، تاریخ و محل تولدش و تاریخ و چگونگی "شهادت" وی دیده می شود. برای آنها بی که طی یک سال گذشته مرده اند، پرچم واحد نظامی، عکس خمینی یا یک "فرشته نگهبان" دیگر و دسته گلی از پلاستیک گذاشته اند. از عکسها کاملاً پیداست، بیشتر کسانی که در جنگ مرده اند، مردان جوان، خیلی خیلی جوان، با صورتهایی کودکانه اند. چهره های آنها، مرا به یاد آخرین بسیج هیتلر در بهار ۱۹۴۵ می اندازد که ۱۲ و ۱۴ ساله ها را به جبهه می فرستاد. در این چهره ها، هم شوخت "شهادت" را می توان خواند و هم ترس را. برخی در آخرین عکسی که پیش از حمله از آنها گرفته اند، کریه می کنند، اما برخی پسران دیگر، خنده ای کودکانه دارند. برای آنهاست که آیت الله پیر، جمله ای به فکرش رسیده، جمله ای که با سرب نوشته اند و بر بسیاری از کورها آن را می خوانی، "در بهشت به روی بی گناهان باز است".

از میان ردیف های چندین کیلومتری قبرهای کودکان سرباز، می گذرم. آنچه توجه مرا جلب می کند، قبرهای جمعی است که دوپاسه برادر، و گاه پدر و پسر با هم در آن مدفونند. به نظر می رسد که گویی در یک نبرد و یک روز مرده اند...

بر سر قبرها، زنان چادر به سر چمباتمه زده اند. چادر سیاه، به ویژه در این مکان حکم لباس غزا را دارد و همه رنجی را نشان می دهد که زنان در این جنگ متحمل شدند. مردان، یاد ر بکنند و یا مدفون. زنان تنها مانده اند و باید این همه درد را با خود بکشند. تنها گاه به گاه مردانی را نیز بر سر قبرهای بی بی...

کشتزار مرگ در پشت دروازه های تهران، برحاصل و مکانیزه است. در پایان هر ردیف طولانی از قبرها، پاک یک دستگاه مخصوص ساخت شرکت اشتیل در اسلینکن آلمان فدرال، کورهای جدید می کنند. در گوشه ای دیگر، گروهی تابلوهای آلومینیومی را کار می گذارند. کورهای "شهدا" را با نظم می کنند. مردگان را به دست تصادف یا در اختیار بستگان نمی گذارند. کشتگان، تا وقتی جای مخصوص خود در زیر زمین را نیافته اند، در اختیار نیروهای مسلحند.

بوی سنگین و مخصوصی به مشام می رسد. بوی آجرپزیها و زباله ها با بوی گلاب آمیخته است. وقتی پسر، از

افشای عملیات چاقوکشان خمینی در دامنمارک

بر اساس گزارش که در "اکثريت" مورخ ۲۶ مرداد ماه به چاپ رسید، روز دوشنبه ۱۹ مرداد نمایش کاروان دوجرخه سواری ایرانیان مبارز علیه رژیم خمینی، در مرکز شهر کپنهاگ مورد تهاجم تعدادی مزدور حزب اللهی قرار گرفت. تبهکاران حزب اللهی که از شهر لین شوپینگ سوئد برای تخریب فعالیت افشاگرانه دوجرخه سواران به دامنمارک اعزام شده بودند، با نفرت و خشم شهروندان دامنمارکی روبرو شدند.

خبر تهاجم حزب اللهی‌های چاقوکش و سعاد در رسانه‌های دامنمارک بازتاب یافت. از جمله روزنامه "پولیتیکن" در بخشی از گزارش خود در این باره نوشت، "وابستگان به دولت آخوندی

در تهران به درگیری با ایرانیان پناهنده پرداختند. ایرانیان پناهنده آنها را "جاسوسان خمینی" خطاب می‌کنند...

پلیس ضدشورش ۸ تن را دستگیر نمود که ۵ تن از آنها طرفداران رژیم خمینی بودند و از سوئد آمده بودند...

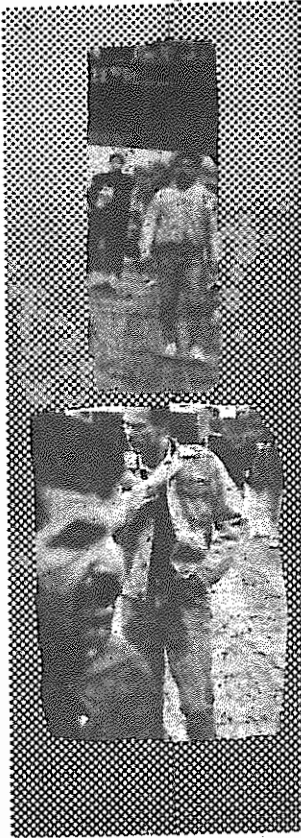
خمینی جاسوسان خود را به کشورهای مختلف می‌فرستد تا چهره پناهندگان را در انظار عمومی خراب نمایند. خمینی آنها را به اسم دانشجوی به خارج گسیل می‌کند. آنها در آلمان، فدرال، سوئد، اتریش و انگلستان حضور دارند و وظیفه‌شان حمله و روشن به اپوزیسیون در خارج از کشور است...

روزنامه‌های چاپ دامنمارک همچنین عکس‌هایی از اوپاش

حزب اللهی به چاپ رسانده اند که دو نمونه آن را در همین صفحه ملاحظه می‌کنید.

فداییان خلق در دامنمارک روز ۱۱ اوت در رابطه با حادثه فوق‌الذکر اعلامیه‌ای خطاب به "هم میهنان مهاجر" تحت عنوان "متحد شویم - اقدامات تروریستی رژیم خمینی را خنثی سازیم"، انتشار دادند. در بخش پایانی این اعلامیه چنین می‌خوانیم،

"ما، فداییان خلق ایران (اکثريت) - دامنمارک، ضمن هشدار در رابطه با خطر اقدامات مشابه عوامل مزدور رژیم، از شما (هم میهنان مهاجر) می‌خواهیم تا با گسترش اتحاد عمل و مبارزه متحد و مشترک مانع از اقدامات تروریستی جدید آنها گردیم." *



دو تن از چاقوکشان رژیم دامنمارک

زیب کماندهای رژیم در دامنمارک.

یک دامنمارکی مانع فحاشی‌ها و جینگ و داهای آن‌ها می‌شود



«یک راهپیمایی طولانی، بی‌خبر از آنچه در انتظار من است، به جلوی "چشمه خون"، این یاد بود وحشتناک قربانیان بی‌شمار جنگ کثیف، می‌رسم، ناچار می‌شوم جلوی دهان و بینی خود را بگیرم. از چشمه‌ای که بگونه‌ای منقطع در جریان است، مایع غلیظ سرخ رنگی که شهادت بسیاری با خون انسان دارد، به سه حوض که روی هم قرار گرفته اند می‌ریزد. چشمه، که همه چا مظهر زندگی است، در اینجا بگونه‌ای دهشت‌آور مرگ را می‌نماید. خون، بلاوقفه، اما نه با شدتی یکسان، جاری است. گاه به سرعت می‌ریزد، گاه آرام می‌گیرد و یک‌باره باز شدت می‌یابد. دیگر نمی‌توانم روی پاهایم بپند شوم. به نظرم می‌رسد که پوسته زمین بسیار نازک شده و در زیر پاهای من، خون مردگان است که می‌چوشد. می‌ترسم محکم گام بردارم و زمین زیر پاهایم دهن‌باز کرده و مراد قلمرو مردگان

مدفون کند. دسته گل لاله را روی قبر بلندی می‌گذارم و به سرعت این محل دهشتناک را ترک می‌کنم. یک هفته بعد، باز به کورستان می‌آیم. سومین روز رمضان است، و بستگان مرده‌ها دسته‌دسته به کورستان آمده‌اند. تهاجمی که با آغاز ماه رمضان در چپه کورستان آغاز شده، دوباره چشمه خون را به حرکت آورده است. رسانه‌ها، برای ظهر اعلام مراسمی پیادبود کشته‌ها کرده‌اند. در راه کورستان "شهدا"، کاروانی از اتوبوسهای پر، از کنار من می‌گذرد. به اتوبوسها، پرچم و پلاکاردها آویخته‌اند...

در میدان دورادور چشمه خون، شماری سوگوار گرد آمده‌اند. از بلندگوها سرود کورستانی جمهوری اسلامی را می‌نوازند. آنگاه در هلی‌کوپتر بزرگ نظامی سر می‌روند و درست در کنار جمعیت به زمین می‌نشینند. از یکی، یک دوجین

آخوند و آیت الله، نمایندگان دولت و روحانیت، و از دیگری دسته‌ای اونیفورم پوش مسلح که کارد احترام را تشکیل می‌دهد، پیاده می‌شوند. از بلندگوها آشنجان صدایی بلند است که قهرها می‌لرزند، الله اکبر، خدا بزرگ است. صفی‌از دوازده ماشین نعلش کش سر می‌روند. همگی، ساخت کارخانه مردس پتزنند و به کولرهایبی از شرکت "لینده" مجهز. چند سخنرانی کوتاه از بلندگو برای تمام کورستان پخش می‌شود. اول آقایان روحانی، بعد نماینده دولت و بعد یک ژنرال. همه می‌گویند که چقدر از مردگان متشکرنند، و از افتخار "شهادت" سخن می‌گویند. حضار می‌گریند، ناله می‌کنند و شیون می‌کنند. اما صدای بلندگو بر صدای آنها می‌چربد. بخش، گلوی مرا نیز گرفته است. شیونها، اشک به چشمانم می‌آورد.

مراسم مرگ، استادانه است. از

هر کدام از دوازده اتومبیل، شش کشته بیرون می‌آورند. کفن‌ها، سفیدسفیدند و برچمی سرخ به درشان پیچیده‌اند... سربازان، "شهدا" را یکی یکی به سوی قهرها می‌برند و در حالیکه پاها و دستهای خشک شده آنها را گرفته‌اند، به دور کورها می‌گذارندشان. آنگاه چند لحظه به بستگان مرده‌ها فرصت می‌دهند تا با عزیزانشان تنها باشند، و بعد سربازان در چند دقیقه کور را با خاک پر می‌کنند. یک لحظه، آرامش واقعی کورستانی بر بهشت زهرا حاکم می‌شود. اما بلافاصله بلندگوها به کار می‌افتند، هلی‌کوپترهای حامل سربازان و مقامات به پرواز در می‌آیند، و کاروان ماشین‌های نعلش کش و اتوبوسهای سوگواران، کورستان را ترک می‌کنند. بر سرفرها، فقط زنان چادر به سر مانده‌اند که خود را کریان و شیون‌کنان، به روی قهرهای عزیزانشان می‌افکنند *

آمریکا: جنگ در جاده‌ها

می‌کند. او می‌گوید: "انسانها خودخواه‌تر و خود پسندتر شده‌اند. روحیه عمومی این است: اگر بخواهم کاری را بکنم، بگذار بکنم. خواستهای من مهمتر از هر چیز است."
پراه افتادن "چنگ" در جاده‌های لوس آنجلس، ریشه در ترافیک سنگین این شهر و منطقه اطراف آن نیز دارد. لوس آنجلس فاقد سیستم فراگیر و مکفی وسایل نقلیه عمومی است، و ۱۲ میلیون اهالی آن، اغلب از اتومبیل برای رفتن به محل کار استفاده می‌کنند. در شلوغ‌ترین ساعات، ۲۵۰ هزار اتومبیل شاهرهای منطقه را پرمی‌کنند.

اما در جهان، شهرهای بسیار دیگری نیز هستند که ترافیک سنگینی در حد لوس آنجلس دارند. آنچه به آمریکا ویژگی می‌بخشد، تبلیغ روزمره درنده‌خوایی و خشونت در این کشور است. تجاوزکارترین محافل امپریالیستی که بر ایالات متحده حاکمند، با استفاده از رادیو و تلویزیون و روزنامه‌ها و ویدئو... سهم مهلک ایدئولوژی خشونت و کیش پرستش زور و قلدرمشی را می‌پراکنند. "قهرمانان" فیلمهای ساخته کارگردانان فاشیستی مانند سیلوستر استابونه (سازنده "رامبو")، الکومای چنین کیشی هستند: آمریکایی "وطن پرست"ی که با کشتن دهها و صدها ویتنامی، انتقام شکست کشورش را می‌گیرد. تبلیغ تجاوزگری و خشونت، لازمه حکومت مارترین امپریالیست‌هاست. چنین تبلیغی، از انسانهای بیولامی‌سازد.

روزنامه‌های کیلویی

حال ماشودیک نسخه روزنامه می‌دهد و ما هم در عوض معادل ۲/۵ برابر نرخ رسی، وجه رایج را می‌پردازیم."

علت این همه استقبال از روزنامه‌های جمهوری اسلامی چیست؟ گفته‌ها و نوشته‌های فقها؟ این گفته‌ها و نوشته‌ها آنقدر وزین هستند که مصرف کنندگان آنها را کیلویی می‌خرند، روزنامه به خمیر تبدیل شده و از خمیر آن پوشک بچه، دستمال، پاکت، مقوا و هزار و یک چیز دیگر که همه از دستاوردهای پیشرفت صنعت در روزگار ساخته می‌شود. برای فروشندگان روزنامه‌ها، فروش کیلویی نوشته‌های وزین فقها بیشتر از تکفروشی آنها می‌صرف و از همین روست که برای روزنامه هم صف تشکیل می‌شود.

راسل پیرون، دانش آموز ۱۷ ساله، دست به کاری زده بود که هر روز تعداد زیادی از دانشندگان اتومبیل انجم می‌دهند. او هنگام ورود به شاهراه شماره ۷۱ در نزدیکی لوس آنجلس، با فولکن و اکن خود جلوی یک وانت پیچید و راننده وانت را وادار به ترمز کرد. چند ثانیه بعد، راسل از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد. سرنشینان وانت، انتقام نفوذ حق تقدم خود را اینگونه گرفتند.

راسل پیرون، تنها یکی از چندین قربانی‌ای است که "چنگ جاده‌ای" در اطراف لوس آنجلس بگرفت. هفته، در حوادث مشابهی، چهارتن کشته و حداقل چهار نفر دیگر مجروح شدند. در روزهای گرم تابستان، در جاده‌های منطقه لوس آنجلس موجی از خشونت و ترور به راه افتاد. ماموران پلیس راه، بانگرانی شاهد افزایش موارد تروراندازی رانندگان به سوی هم هستند.

البته اینکه آمریکاییها به تقلید از فیلمهای وسترن خیلی زود اسلحه می‌کشند، چیز جدیدی نیست. اما موج جدید کشتار در جاده‌ها، نگرانی جدیدی برانگیخته است. دکتر آنجی لوب، روانشناس معروف آمریکایی این پدیده را "جنگ واقعی" می‌داند، و دکتر مارتین رایسر، همکار او، ریشه آن را در تغییراتی که نظام ارزشهای جامعه آمریکا دچار آن شده است، جستجو

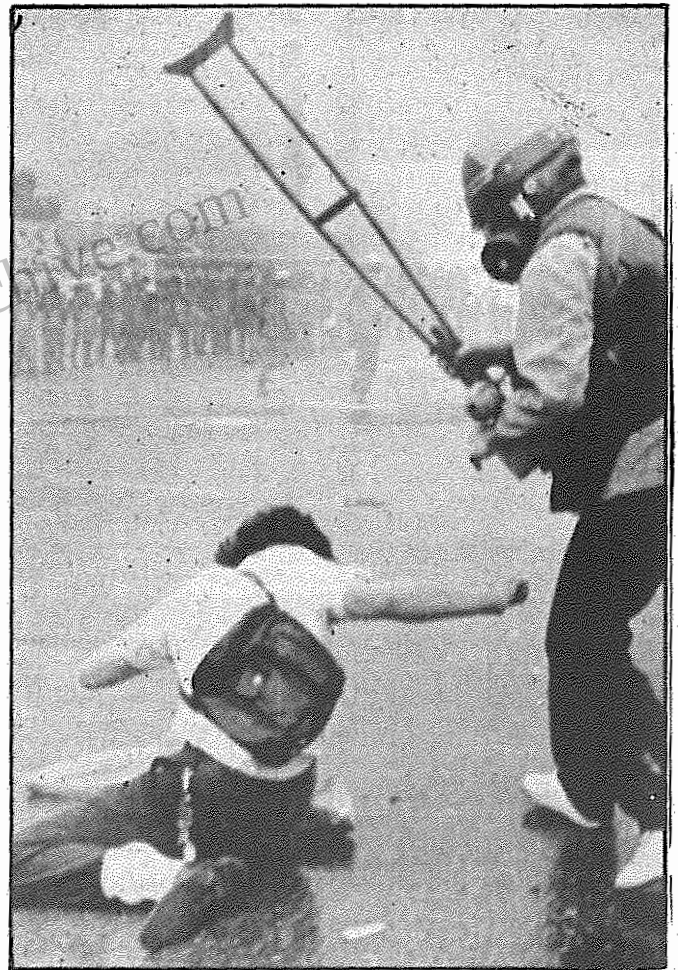
روزنامه‌های جمهوری اسلامی، آنقدر خریدار دارند که باید برای دریافت روزنامه صف کشید و یکی دو ساعت در داخل صف معطل ماند. روزنامه نیز در کنار بقیه کالاهای بازار سیاه قرار گرفته است. در کیهان ۱۸ تیر از زبان یکی از مصرف کنندگان این روزنامه نوشته شده است: "این جانب و بسیاری دیگر از طالبان این روزنامه‌ها برای دسترسی به آن هر روز بایستی بطور متوسط حدود یک ساعت در صف بایستیم و کافی است که کمی دیرتر از موعد زمان توزیع روزنامه، در جلوی کیوسک روزنامه فروش حاضر شوی که با پاسخ "تمام شده" مواجه خواهی شد. در این شرایط نیا بایستی که از خیر مطالعه روزنامه بگذریم و یا این که بگوییم آزاد پده. آنگاه اگر طرف لطفش شامل

... زیرا که خفته زود شود بیدار

ای زود گرد گلبد بر رفته خانه وفا به دست چغا رفته
برمن چرا گماشته ای خیره چندین هزار مست بر آشفته
این دشنه برکشید، همی تازد وان پاکمان و تیر فرو خفته
من خفته مانده، زیرا باستان هر دو یکی است گلته و ناگلته
گلته سخن، چو سفته گهر باشد ناگلته، همچو گوهر ناگلته
بیدار کرد ما را بیداری پنهان ز بیم مستان، بنهفته
بیدار چون نشست بر خفته خفته زعیب خویش شود تفته
زیراکه خفته زود شود بیدار بیدار شو، لضمبختی ای خفته

ناصر خسرو

دیکتاتوری‌ها



دیکتاتوری‌ها همه از یک قماشند، همه سرونه یک کر باشند. در دیکتاتوری‌ها، نیروهای سرکوبگر نیز عیبیب به یکدیگر مانده‌اند، سفاک و جانی، چه پاسدار باشند و چه اسم آنها کار دزدشورش در کره جنوبی و ویتنامی و آفریقای جنوبی و یا در هر کشور دیگری باشد.

درعکس بالا جنایتکاری یک پلیس کره جنوبی تصویر شده است. دانشجویی با پای علیل به صف تظاهرات پیوسته تا با کارگران اعتصابی ابراز همبستگی کند. پلیس چوبه سنی زیر بغلش را گرفته و باهمان چوبه سنی بر سر او می‌کوبد. ننگ و نفرت نصیب همه جلادان باد!

بقیہ از صفحہ ۶ }

"بپایند همراه با همه مردم جهان که خواهان صلح اند پیوسته نسل جوان تر، حرکتی را از هر گوشه جهان آغاز کنیم و آنرا به یک اقدام مشترک بین المللی تبدیل نماییم. ما می باید یک جامعه جهانی - جامعه ای فرا تر از تفاوت در نژاد، ملیت، نظام اجتماعی و عقاید و مسلک ها - تشکیل دهیم و نیروهای هوادار سلاح های اتمی را محاصره و منزوی کنیم."

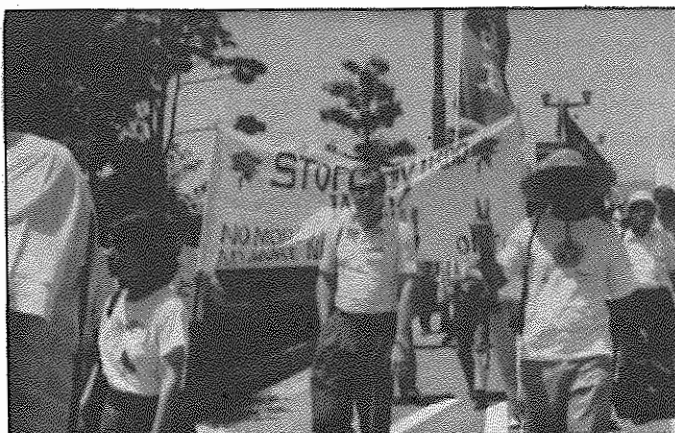
شرکت کنندگان در این کنفرانس بویژه رئیس شورای جهانی صلح، نماینده کنگره ملی آفریقا، نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین و نماینده جنبش جوانان و دانشجویان سازمان ملل موکداً بر ضرورت پایان دادن به جنگ ارتجاعی ایران و عراق تاکید کردند و خواست فداپایان خلق مهنی بر جلوگیری از ادامه این فاجعه تاریخی را مورد پشتیبانی قرار دادند. ●

همچنین فداییان شرکت کننده در کنفرانس طی یک سخنرانی همبستگی خود را با مردم ژاپن و جهان در راه خلع سلاح هسته‌ای ابراز داشتند، ضمن اعلام همدردی با قربانیان بمب‌های اتمی، سیاستهای ضدانسانی امپریالیسم جهانی پسرکردگی آمریکا در راه گسترش ماسافه تسلیحاتی را شدیداً محکوم کردند و همچون بسیاری از سخنرانان به دفاع از موضع صلحجویانه کشورهای سوسیالیستی و به ویژه انگلستان صلح اتحاد شوروی پرداختند.

برنامه پایانی کنفرانس جهانی
علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی با
صدور یک قطعنامه ۸ ماده‌ای در شهر
ناکازاکی پایان یافت. در این
قطعنامه قویا تأیید شده است که "هرچه
زودتر یک توافق بین‌المللی برای
توقف و محو کامل سلاحهای اتمی



در روزهای ششم و نهم اوت شرکت کنندگان در کنفرانس همگام و پهباشپیش هزاران نفر از مردم با شرکت در تظاهرات به مناسبت چهل و دومین سالگرد بهماران اتمی هیروشیما و ناگازاکی، خواهران جهانی هاری از سلاسل ای اتمی شدند.



از دیدار ریکیان، خود را در خانه اش
حلق آویز کرد. علت خودکشی او،
افزایش اجاره بها از ۷۰ به ۳۰۰
مارک بود. صاحبخانه، در منزل این
زن حمامی ساخته بود و به این بهانه
اجاره را به بیش از چهار برابر
افزایش داد. "سازنده برلین پس از
چنگ" دیگر نمی‌دانست ماهی ۲۳۰
مارک اضافه را از کجا باید تهیه کند،
و به عم خود داخته داد.

بار اول، روزنامه‌های
پوزوایی عکسهای خانم نیندورف و
دیدارش را با ریگان، با تفت‌رها و
عکس‌های بزرگ و در صفحات اول خود
چاپ کردند. بار دوم، خبر خودکشی
این زن تنها گوشه کوچکی از صفحات
داخل را به خود اختصاص داد.

نام روت - سیلویا نیندورف،
 زن ۶۶ ساله اهل برلین غربی، در عرض
 یک ماه دوباره به مطبوعات این شهر راه
 یافت. بار اول، هنگام دیدار ریگان
 رئیس جمهور آمریکا از برلین غربی
 بود. خانم نیندورف از جمله ۶ زن
 مسن اهل این شهر بود که مقامات برلین
 غربی از آنها به عنوان "سازندگان
 برلین پس از جنگ" برای دیدار با
 ریگان دعوت کردند. در یک نمایش
 مسخره، ریگان با حضور این عده به
 مردم برلین غربی "قول" داد دولت
 آمریکا در قبال سرنشت این شهر
 "کماکان" احساس "مسئولیت" خواهد
 کرد. اما واقعیت تلخ، خیلی زود
 نمایش مسخره را به فراموشی سپرد.
 خانم نیندورف، کمتر از یک ماه پس

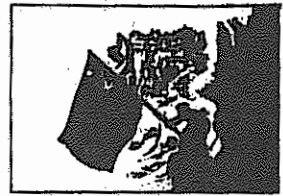
سمیناری که «پربارتر»
بیست و نهمین روز اردیبهشت ۱۳۶۶



بعد از ظهر، اولین گروه میروان کل، با هواپیما به بستی که
شهرهای شمالی سرزمین، بلافاصله از تدریس که در اسرودگاه
انتشار می یابد، به یک مجوزی در راه میروان شریج به زمان
میلروان میروان، به مدونین گشت، اینجا شت است
میلروان، از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
راهش میروان، از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
چای که آمد از آخرین شریج به که چای رسیده بود چای خود
با یکمی که برای فاشانت تدریس از اینجا میروان میروان
مدونان، میروان میروان، قبل از راه میروان میروان، به بعد میروان
داره، به میروان میروان، به بعد میروان میروان، به بعد میروان
گشت که از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
میلروان برای طوطی از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
نامل به تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
چای که آمد از آخرین شریج به که چای رسیده بود چای خود
با یکمی که برای فاشانت تدریس از اینجا میروان میروان
مدونان، میروان میروان، قبل از راه میروان میروان، به بعد میروان
داره، به میروان میروان، به بعد میروان میروان، به بعد میروان
گشت که از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
میلروان برای طوطی از تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان
نامل به تدریس اول میروان میروان، به بعد میروان

[illegible][illegible]

مبارزه علیه فاشیسم و برای برپایی جمهوری های خلق



از صفحه آخر

با آغاز جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی به شکلهای مختلفی قربانی قدرتهای محور گشتند. چکسلواکی پیش از آغاز جنگ قربانی فاشیسم شده بود. این کشور، لهستان و یوگسلاوی مستقیماً هدف حمله آلمان و آلبانی و یونان هدف حمله ایتالیا قرار گرفتند. در این میان بلغارستان، مجارستان و رومانی حکم اقرار آلمان فاشیستی را یافتند و در واقع کشورهایی تقریباً اشغال شده بودند.

فاشیسم در مناطق اشغال شده این بخش از اروپا، همچون مناطق دیگر، به اصطلاح "نظم نوین" خود را برپا کرد. "نظم نوین" در وجود رژیم های ترور، سرکوب و فساد تبلور می یافت. نماد این نظم سیمهای خاردار اردوگاههای زندانیان و دودی بود که از دودکش های کوره های آدم سوزی برمی خاست. در اردوگاههایی نظیر بوخنوالد، مایدانک، اوسویم و داخائو، میلیون ها نفر به دست فاشیستها هلاک گشتند. ترور فاشیستی به سمت رهبران طبقه کارگر، کمونیستها و میهن پرستان نشانه رفته بود. هدف "نظم نوین" در عمل کشتارهای جمعی و از بین بردن تمامی ملل بود.

در مناطق اشغال شده، ترور با چپاولگری همراه بود. غارت اموال و مواد غذایی، و جنگ اندازی بر روی واحدهای صنعتی، پای ثابت جنایتکاریهای فاشیستها را تشکیل می داد. آنها علاوه بر ترور و چپاولگری، خیل عظیمی از کارگران را به عنوان برده به آلمان انتقال می دادند.

هدف عمده طبقه کارگر این کشورها در سرتاسر دوران جنگ، رهایی از سلطه فاشیسم، کسب مجدد استقلال و حاکمیت ملی و مبارزه برای تحولات دموکراتیک بنیادی بود.

در فاصله سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۱ در چند کشور تغییرات مهمی در توازن قوای سیاسی و طبقاتی رخ داد. طبقات حاکم، که بخش قابل ملاحظه ای از آنها با هیتلریسم پیوند خورده بودند، پیش از گذشته ارتجاعی شدند. در کشورهای اقرار فاشیسم بخش عمده ای از بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه تهر و روستا، جانب رژیمهایی را گرفتند که سریعاً خصلت فاشیستی می یافتند. بخش دیگر این طبقات حالتی خفنی داشتند. برخی از عناصر بورژوازی و یوگسلاوی و چکسلواکی به چیره خوار اشغالگران بدل گشتند.

هر چه خصلت ارتجاعی امپریالیسم نمایانتر می شد، دامنه جبهه ضد امپریالیستی وسیع تر می گشت. این امر افقهای نوینی را در برابر راه مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم می گشود. خرده بورژوازی و در برخی موارد بخش هایی از بورژوازی به جنبش ضد فاشیستی در کشورهای اشغال شده، می پیوستند. البته بخش عمده بورژوازی ضد فاشیست به دولتهای در تبعید چشم امید داشت و به کسب آزادی با مساعدت انگلستان و آمریکا دل بسته بود. آنها حتی

به مقاومت هم که رومی آوردند (در لهستان و چکسلواکی) می گوشتند مبارزه ضد فاشیستی ایجاد نوده ای نیابد. خصلت تناقض آمیز سیاست بورژوازی، ناپیکارچگی نیروهای آن، مخالفت بورژوازی با انطباق دادن خود با روند مبارزه ضد فاشیستی توده ای و شوروی ستیزی آبرو باخته آن با منافع ملی تضاد داشت و پوچ بودن داعیه های این طبقه مبنی بر رهبری جامعه همچون گذشته را برملا می ساخت.

رهبری جامعه دیگر بر عهده طبقه کارگر قرار داشت که در طول دوره جنگ، تجربه بسیاری اندوخته بود. احزاب کمونیست، با مساعدت کمینترن، استراتژی و تاکتیک خود را غنی بخشیده و در کار مشترک با سازمانها و نیروهای دمکرات ضد فاشیست موفقیت های ارزشمندی کسب کرده بودند. آنها با تحلیل وضعیت تازه و وظایفی که از آن ناشی می شد، ایده تشکیل یک جبهه میهنی را تکامل بخشیده، به اندیشه تشکیل جبهه خلق رسیده و در جستجوی راههایی بودند که همه نیروهای ضد فاشیست را در یک جبهه گرد آورند. این وظیفه در چکسلواکی در شعار مبارزه برای رهایی کشور، در یوگسلاوی، یونان و آلبانی در شعار برای تشکیل یک حکومت مردمی متشکل از همه نیروهای میهن پرست، در لهستان در شعار پیش به سوی لهستان مستقل و دمکراتیک، تهلور می یافت. در رومانی حزب کمونیست در ژانویه ۱۹۴۱ به احزاب دیگر پیشنهاد کرد که همه در راستای مبارزه برای استقلال ملی متحد شوند. حزب کمونیست بلغارستان نیز بنابر این مشی عمومی مبارزه خود را علیه استقرار کنترل هیتلری ها بر کشور و مداخله دادن بلغارستان در جنگ متمرکز کرده بود. در همه کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی جنبش انقلابی طبقه کارگر و احزاب کمونیست، فعالترین نیرو در مبارزه ضد فاشیستی و آغاز کنندگان و سازمان دهندگان این مبارزه بودند. حزب کمونیست یوگسلاوی از ژوئن سال ۱۹۴۱ در راس مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر و همدستان آنها بود. رهبران احزاب بورژوازی پیش از جنگ، حاضر به همکاری با کمونیستها نبودند. اما کمونیستها خود سازمان های توده ای جبهه متحد رهایی بخش ملی را ایجاد کرده بودند که زحمتکش را حول حزب کمونیست متحد می ساخت. در یونان نیز جبهه آزادی بخش ملی کانون تمرکز همه نیروهای دمکراتیک و ضد فاشیست بود.

حزب کارگران لهستان که در ژانویه ۱۹۴۲ جریان رشد جنبش مقاومت مردمی تشکیل شده بود، در برابر خود هدف تشکیل یک جبهه ملی گسترده را نهاده بود. علی رغم این که طرفداران دولت در تبعید که مقر آن در لندن بود، از اتحاد عدل و شرکت در رژیم سلحشانه مشترک سر باز زدند، حزب کارگران لهستان پیگیرانه در راه اتحاد در نبرد برای آزادی و استقلال کشور تحت شعار جبهه دمکراتیک ملی مبارزه

خود را پیش برد. در پایان سال ۱۹۴۲ در جنبش مقاومت در آلبانی دو گرایش متضاد شکل گرفت. در برابر جبهه آزادی بخش ملی، جبهه با اصطلاح ملی قد علم کرد که نماینده طبقات مرفه طرفدار غرب بود. از نمونه استثنایی چکسلواکی که بگذریم، در بقیه کشورها از همان آغاز جنگ این موضوع روشن گشت که جناح ضد فاشیست بورژوازی مخالف جنبش رهایی بخش تحت سازماندهی و هدایت کمونیستها و آزادی کشورهای اشغال شده با کمک نظامی مستقیم شوروی است. این موضوع در لهستان برجستگی ویژه ای یافت. در این کشور علی رغم سیاست فاشیستی معدوم سازی خلق لهستان، و علی رغم شرکت توده ای نمایندگان همه طبقات در جنبش مقاومت، به دلیل شوروی ستیزی و کمونیسم ستیزی جناح راست این جنبش، اتحاد عمل میسر نگردید. جناح راست نه تنها از اتحاد عمل سر باز می زد بلکه در تدارک آغاز یک جنگ داخلی بود.

اوضاع سیاسی رومانی و مجارستان، پیوندهای پس از ورود آنها به جنگ، برای رشد جنبش ضد فاشیستی نامساعد بود. رهبری کمونیستی در این کشور متحمل ضربات عظیمی شده بود و جنبش کارگری عمیقاً دستخوش تفرقه بود.

کمونیستها بر مبنای منافع ملی و سطح جنبش توده ای، امر سازماندهی مبارزه مسلحانه علیه نیروهای اشغالگر و رژیمهای طرفدار هیتلر را وظیفه مقدم خود می دانستند. کمونیستها با توجه به توازن قوا و پیویش اجتماعی روند انقلاب، برنامه ای را تنظیم کردند که در آن امر مبارزه رهایی بخش علیه فاشیسم با وظایف دمکراتیک ملی ترکیب شده و هم علیه متجاوزین فاشیست و هم علیه بخشهای قدرتمند سرمایه دار و زمین دار گره خورده با فاشیستها و نیز بقایای فئودالیسم بود. بر این اساس میسر می شد که به جبهه های ملی به مثابه پایه های یک قدرت دمکراتیک نوین یعنی شکل تازه ای از دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان نگریسته شود.

جنبش ضد فاشیستی در اروپای مرکزی و جنوب شرقی زیر تاثیر دگرگونیهای اساسی در جنگ، تقویت گشت. واحدهای مسلح ملی متشکل از ضد فاشیستهایی که پایکامشان در اتحاد شوروی بود، در جنگ علیه آلمان فاشیستی نقش فعالی را بر عهده گرفتند.

در یوگسلاوی در نوامبر ۱۹۴۲ مجمع ضد فاشیستی برای آزادی ملی برپا گشت. در آلبانی شورای آزادی ملی در سپتامبر ۱۹۴۳ تشکیل گردید. در لهستان، آغاز سال نوی ۱۹۴۴ شاهد تشکیل شورای ملی خلق به مثابه ارکان عالی جبهه دمکراتیک ملی بود. در چکسلواکی برای تشکیل جبهه ملی چکها و اسلوواکیا توافق حاصل شد. طبقه کارگر نیروی اصلی این توافق بود. در این کشور در پایان جنگ وسیع ترین اتحاد عمل ممکن بین طبقات، شکل گرفته بود.

طبقه کارگر در بلغارستان بر مبنای برنامه ژوئیه ۱۹۴۲ با هدف تشکیل یک جبهه ملی موفق شد خود یکپارچه شده و پیوند خود را با دهقانان و اقشار میانی شهرنشین تقویت کند. در طی سال ۱۹۴۳ کمیته های جبهه ملی ابتدا به شکل منطقه ای و بعداً در سطح کشوری تشکیل گردید. در این کمیته ها نفوذ فائده از آن حزب کمونیست بلغارستان بود که اکثریت قاطع کارگران را در پشت سر داشت. در تاپستان سال

۱۹۴۲ چپه میهنی ضد هیتلری در رومانی شروع به رشد کرد و بر مبنای نتایج یک توافق بر سر همکاری بین کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها یک اتحاد ضدفاشیستی حول چپه شکل گرفت که در برگیرنده احزاب بورژوازی نیز بود. در مجارستان، حزب کمونیست پیشنهاد کرد یک ائتلاف وسیع علیه هیتلری‌ها و فاشیست‌های مجار پدید آید. در جریان مبارزه رهایی‌بخش بر اساس این مثنی، "چپه ملی مجارستان برای استقلال"، تشکیل شد.

جنبش رهایی‌بخش خلق‌های اروپای مرکزی و جنوب شرقی همگام با جنگ میهنی مردم شوروی علیه تجاوز فاشیستی تکوین و تکامل یافت. حمایت قاطع جنبش‌های رهایی‌بخش از سوی اتحاد شوروی، شرایط مساعد برای دمکراتیزه کردن کشورهای این منطقه را فراهم آورد.

دروم نخست عوامل داخلی تعیین کننده روند انقلاب بود. شرایط و شکل پیشرفت مبارزه ضدفاشیستی در کشورهای مختلف فرق داشت. علیرغم تفاوت در این امر، در مراحل پایانی جنگ، طبقه کارگر توانست در چپه‌های ملی و ائتلاف‌های گسترده مردمی سرکردگی را به دست گیرد.

طبقه کارگر در طی جنگ متحمل ضربات دردناکی شد. فعالترین رزمندگان این طبقه به زندان افتادند، در اردوگاه‌ها اسیر گشتند، و یا در چپه‌ها به واحدهای تحت کیفر فرستاده شدند. تعداد کارگران صنعتی به نصف تقلیل یافت. ترکیب طبقه کارگر دستخوش تغییر شد و به میزان زیادی از نسبت کارگران شاغل در صنایع بزرگ کاسته گردید. این امر بر روی چند پارچه شدن و کسختگی تشکیلاتی طبقه کارگر تأثیر زیادی نهاد. طبقه کارگر علیرغم این مشکلات، تجربه فراوانی از جنگ آموخت و در صفوفی فشرده‌تر و گسترده‌تر به مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم رو آورد. طبقه کارگر نشان داد آن اندازه متحد و نیرومند است که بتواند مبارزه برای انبثام وظایف عمومی ملی و تمشین تکامل و گسترش توانمند جنبش رهایی‌بخش توده‌ای را هدایت کند. پرولتاریا در جریان این مبارزه با وضوح بیشتری نقش تاریخی خود را به مثابه یک طبقه بازشناخت. طبقه کارگر در برخی از کشورها، در طی مراحل پایانی جنگ، آن هنگام که وظایف مقدم اساساداری خصلت ضدفاشیستی، آزادی‌بخش و انقلابی - دمکراتیک بودند، سرکرده جنبش گشت، مواضع عمده‌ای را به دست آورد و به اعمال رهبری مستقیم پرداخت. طبقه کارگر در برخی از کشورها حول پیشاهنگ کمونیست خود متحد گشت. در برخی دیگر از کشورها اتحاد طبقه کارگر به دنبال همکاری کمونیست‌ها و سوسیال دمکرات‌ها و یابختی از سوسیال دمکرات‌ها، قوام یافت.

احزاب کمونیست کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی، اگر چه در شرایط اختفای شدید فعالیت می‌کردند و متحمل ضربات عظیمی شدند، به این موفقیت دست یافتند که بتوانند متناسب با شرایط وظایف نوین مثنی سیاسی صحیحی را پیش برند و بخش اعظم طبقه کارگر را به ست خود جذب کنند. آنها قادر شدند رهبری خود را در مبارزه برای اجرای برنامه چپه میهنی اعمال کنند. علت این کامیابی را باید در آن جست که این احزاب توانستند مبارزه برای رهایی ملی و رهایی اجتماعی را به شکلی ارگانیک با یکدیگر تلفیق سازند.

کمونیست‌ها کوشیدند همه جریانهای ضدفاشیست مخالف نیروهای اشغالگر و رژیمهای فاشیستی خودی را با یکدیگر متحد سازند. اما پلان کار در این زمینه صد در صد نبود. بخش عمده‌ای از بورژوازی خارج از چپه‌های ملی باقی ماند و یا حتی به عناد با برنامه پیگیر دمکراتیک آنها پرداخت. اما در مقابل بخش عظیمی از توده‌های گسترده خلق در مبارزه برای رهایی ملی به اتحاد با طبقه کارگر رو آوردند. این امر در کشورهای مختلف، اشکال مختلفی یافت.

آزاد شدن کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی از اسارت فاشیسم و سرنگونی رژیمهای ارتجاعی به حل آزادانه و دمکراتیک مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی این کشورها یاری رساند. با تضعیف و بالاخره شکست آلمان هیتلری به عنوان نیروی اصلی ارتجاع امپریالیستی و نیز شکست متحدین و اعمار آلمان، روند انقلابی جهانی به جلو خیز برداشت. جنبش مقاومت ضدفاشیستی، جنگ‌ها و قیام‌های رهایی‌بخش خلق به انقلابات دمکراتیک و سوسیالیستی فرارویدند. در حالی که از یک سو در بافت اجتماعی - اقتصادی و آرایش قوای طبقاتی و

عهده دار بود. این امر تضمین کننده دمکراتیزه کردن پیگیرانه حیات سیاسی - اجتماعی، شرکت دادن بخش‌های اصلی کارگران در تحولات انقلابی، و انبثام ریشه‌های فاشیسم و سلطه انحصارات خارجی و بومی بود. جنبش رهایی‌بخش ملی و جنبش عمومی دمکراتیک محتوای اجتماعی عمیقی یافت. در یونان نیز چنین روندی در جریان بود که با مداخله انگلستان متوقف گردید.

چپه‌های ملی، که از میان آتش نبرد علیه فاشیسم سر برآوردند، به راستی مظهر اتحاد موثر نیروهای محرکه انقلاب و بنیاد تحول در نظام قدرت بودند. تجربه این چپه‌ها بر این استنتاج ارائه شده از سوی جنبش بین‌المللی کمونیستی انطباق داشت که تکوین و استقرار نوع ویژه‌ای از دیکتاتوری دمکراتیک کارگران و دهقانان یعنی رژیمهای دمکراتیکی که در عین مخالفت با رژیمهای محموله بورژوازی هنوز سوسیالیستی نیستند، امکان پذیر گشته است. (*)

انقلاباتی که حاصل پیشرفت مبارزه رهایی بخش ملی ضدفاشیستی بودند، وظایف عنوان شده در



سپتامبر ۱۹۴۴، بلغارستان آزاد می‌شود، جشن بزرگ خلق

برنامه‌های چپه‌های ملی را به انجام رساندند. این انقلابات، به دلیل مرزبندی‌های عینی طبقاتی و آرایش نیروها در ارگانهای نوین قدرت، به درجاتی کمتر و یا بیشتر خصلت پرولتاری یافتند و به این لحاظ توانستند روند فرارویش خود را تسریع کرده و به هدفهای سوسیالیستی دست یابند. توان یابی برای نیل به اهداف طبقه کارگر و درهم تنیده شدن مبارزه برای دمکراسی و رهایی ملی با مبارزه برای سوسیالیسم در طی مرحله دوم بحران عمومی سرمایه‌داری، به مشخصه روند تکاملی این انقلابات بدل شد.

پدید آمدن نظام جهانی سوسیالیستی حاصل این روند، به عنوان یکی از اجزای فراکرد تسریع روند انقلابی جهانی، و تعمیق بحران عمومی سرمایه‌داری بود.

* رجوع شود به کتاب "کنگره هفتم کمینترن و مبارزه برای تشکیل چپه واحد در کشورهای اروپای مرکزی و جنوب شرقی" (به زبان روسی) - مسکو، ۱۹۷۷، ص ۲۷۲.

سیاسی در کشورهای مختلف این منطقه تفاوت وجود داشت و از سوی دیگر سرمایه‌داری در همه این کشورها به یک درجه رشد نیافته بود، ماهیت تضادها و سرعت بلوغ یافتن آنها در تمام منطقه یکسان بود. همه این کشورها وضعیت انقلابی و خصایص مشابهی داشتند و چشم اندازهای انقلاب در آنها به یکدیگر گره خورده بود. این شرایط انقلابی در جریان مبارزه آزادی بخش و همگام با پیشروی ارتش سرخ تعمیق یافت. این امر دو عامل، در تعدادی از کشورها راه را بر سطره یافتن ارتجاع مسدود کرد.

انقلابات دمکراتیک خلقی و سوسیالیستی در جریان مبارزه برای رهایی ملی در منطقه رو به گسترش نهاد. در اغلب کشورهای این منطقه مبارزه برای انجام وظایف دمکراتیک، ضدفاشیستی، ضدفئودالی و ضد امپریالیستی منجر به انتقال قدرت به کارگران، دهقانان و اقشار میانی شهری شد. بعضی از قشرهای بورژوازی به ائتلاف و یا همراهی با این پلوک خلقی رو آورد. در جریان فازهای مختلف انقلاب، حکومتیایی به قدرت رسیدند که طبقه کارگر در آنها با درجاتی کمتر و یا بیشتر نقش رهبری را

به مناسبت هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی

گفتگویی با یکی از سازماندهان مبارزه مخفی کمونیست‌ها در سانتیاگو



ماه سپتامبر امسال، بار دیگر یادآور کودتای فاشیستی ۱۹۷۳ شیلی است. هر سال بدین مناسبت، "هفته همبستگی جهانی با خلق شیلی" برگزار می‌شود. بدین مناسبت، بخشهایی از گفتگوی گزارشگر روزنامه "وارهایت" چاپ برلن غربی را با دکتر لئوپولد اورتگا، یکی از سازماندهان مبارزه مخفی کمونیست‌ها در سانتیاگو، پایتخت شیلی را به چاپ می‌رسانیم. این گفتگو بطور مخفیانه در سانتیاگو انجام گرفته است. دکتر اورتگا در سال ۱۹۸۴ توسط رژیم پینوشه به برزیل تبعید شد، اما پس از سه ماه به میهن خود بازگشت. او هم‌اکنون تحت تعقیب پلیس پینوشه فاشیست است. در طول زندگی مخفی، مادر و همسر او در گذشته‌اند، بدون آنکه دکتر اورتگا فرصت آخرین وداع با آنها را بیابد. اما این پزشک مبارز، می‌گوید: "وضعیت من با تراژدی خانواده‌های بی شماری که شکنجه، ناپدید شدن و مرگ عزیزانشان را متحمل شده‌اند، قابل مقایسه نیست. با اینکه جدا از خانواده‌ام زندگی می‌کنم، باری که هر دوش من است نسبتاً سبک است. من همچنان در حوزه‌ای زندگی و کار می‌کنم که مورد علاقه من است."

دکتر اورتگا در پاسخ پرسشی پیرامون سیاست "شورش مردمی" حزب کمونیست شیلی، بر حقانیت سربلندی خلق از تحمیلات دیکتاتوری و قیام در برابر آن، تأکید می‌ورزد، و آنگاه درباره چپه میهنی مانوئل

زنان مبارز، در جنبش خلق شیلی علیه دیکتاتوری فاشیستی پینوشه نقش و سهم تعیین کننده‌ای دارند. مکن، که در مرکز شهر سانتیاگو برداشته شده، دستگیری سبلیوآ آلدو و همسر هوگو مارکانت از اعضای جنبش چپ انقلابی (میر) و سخننگری مهابت پستگان زندانیان سیاسی شیلی، اعضای به اروپای غربی را نشان می‌دهد. "اکثريت" با خانم آلدو و سایر اعضای مهابت مزبور مصاحبه‌ای داشت که در شماره ۱۷۰ نشریه به چاپ رسید.

رودریگز - سازمانی که به ترور نافرجام پینوشه اقدام کرد - می‌گوید، چپه میهنی "مانوئل رودریگز را نباید با حزب مایکی گرفت. این

چپه، آنگونه که همواره ادعا می‌کنند، بازوی مسلح حزب مام نیست. چپه مزبور، بخشی از جنبش خلق است که جوانان شجاع آن را

تشکیل داده و از این طریق با دیکتاتوری مبارزه می‌کنند. آنها از حمایت و همبستگی ما برخوردارند. کاملاً ممکن و محتمل است که در این چپه کمونیست‌ها نیز عضویت داشته باشند، همانگونه که در آن، غیرکمونیست‌ها و غیرحزبی‌ها نیز عضویت دارند."

دکتر اورتگا مناسبات حزب کمونیست و جنبش چپ انقلابی (میر) را "عالی" توصیف می‌کند. وی درباره "میر" می‌گوید: "در میر دو جناح وجود دارد. یکی بیشتر بر جنبه سیاسی و دیگری بیشتر بر جنبه نظامی مقاومت تأکید می‌ورزد. مادر این اختلاف دخالت نمی‌کنیم، اما خواهان آن هستیم که اختلاف مزبور حل شود. آنچه مهم است، مبارزه مشترک بر ضد دیکتاتوری است."

اورتگا می‌افزاید اوضاع برای پینوشه بطور فزاینده‌ای پیچیده می‌شود. با اینکه اپوزیسیون، اقدامات متحد انجام نمی‌دهد، تقریباً همه در مخالفت با دیکتاتوری اشتراک دارند. نقطه اتکای عمده رژیم، نیروهای مسلح است. اما در میان نیروهای مسلح نیز، اختلافات و مقاومت‌هایی دیده می‌شود. امپریالیسم آمریکا، بدنبال حل بحران در بالابو در نظر گرفتن منافع احزاب راست و میانه است.

دکتر اورتگا در پاسخ به سؤالی که به نتایج برخی نظرواخمی‌ها مبنی بر هواداری ۳۰ درصد از مردم شیلی از حزب کمونیست اشاره دارد، می‌گوید: ما نمی‌دانیم میزان هواداری از ما چقدر است، و در این باره پیشگویی هم نمی‌کنیم. حزب ما از نفوذ سیاسی برخوردار است و در میان همه نیروهای اجتماعی، نیرویی است که نمی‌توان آن را به حساب نیاورد. ●

مذاکره با ترکیه

علیرضا معیری معاون سیاسی نخست‌وزیر، هفته گذشته به منظور ارسال پیام موسی به تورکوت اوزال نخست‌وزیر ترکیه، وارد آنکارا شد. معیری قبل از ترک تهران اعلام کرد که طی دیدارهای خود، در خصوص روابط دو جانبه، مسایل مربوط به منطقه و تحولات خلیج فارس مذاکراتی انجام خواهد داد.

به گزارش واحد مرکزی خبر، روز شنبه ۳۱ مرداد، اوزال نخست‌وزیر ترکیه در آنکارا اظهار داشت اقدامات ترکیه برای میانجیگری میان عراق و ایران در حال پیشرفت است.

لازم به یادآوری است رفسنجانی طی مصاحبه با خبرنگاران، بی‌سی‌آر آمریکا، اعلام کرد آمریکا علاوه بر مذاکره مستقیم، از طریق نزدیکان خود در منطقه نیز می‌تواند با جمهوری اسلامی بر سر مسایل مورد اختلاف به گفتگو بپردازد. ترکیه، عضو ناتو یکی از نزدیکان مورد نظر رفسنجانی است.

نسبت به یک روز قبل از آن، به بشکه ای ۱۸/۲۵ دلار سقوط کرد.

در این روز بهای نفت پایه خاورمیانه (دوبی) برای تحویل در ماه سپتامبر، ۵ سنت دیگر تنزل کرد و به بشکه ای ۱۶/۸۰ دلار رسید و نفت سبک پایه آمریکان نیز با ۲۴ سنت در هر بشکه، زیر ۱۸/۹۰ دلار قرار گرفت.

بنا به نوشته هفته نامه پترولیوم اینتلیجنس در بین ۱۲ کشور عضو اوپک، عربستان سعودی تنها کشوری بوده است که طی ماه گذشته روزانه بیشترین سهمیه تعیین شده (۴/۲ میلیون بشکه در روز) تولید نکرده است. سایر اعضا، پیرو عراق، کویت، امارات متحده و... خارج از سهمیه تعیین شده تولید کرده‌اند.

به نوشته روزنامه تایمز، میزان تولید اوپک در ماه ژوئیه گذشته از مرز ۱۹ میلیون بشکه در روز گذشت. این رقم بسیار بالاتر از سقف مورد توافق اعضا در اجلاس اخیر اوپک بوده است.

از رویدادهای ایران

بقیه از صفحه ۴

نوسان قیمت نفت در بازار جهانی

طی یکماه و نیم اخیر قیمت نفت چهار دلار کاهش یافته است. انتشار اخبار مربوط به تولید بیش از حد توسط اعضای اوپک، موجب ادامه سیر نزولی قیمت‌ها شد و هفته گذشته حد اکثر بهای هر بشکه نفت به کمتر از ۱۹ دلار رسید.

گزارش خبرگزاری رویتر حاکیست پس از ۱۶ ژوئیه (در این تاریخ قیمت‌ها به اوج خود طی چند سال اخیر، یعنی بشکه ای ۲۲/۷۶ دلار رسیده بود) سطح قیمت‌ها مدوما رو به کاهش بوده است.

بنا به گزارش رادیو دولتی انگلیس روز جمعه ۲۰ مرداد، بهای نفت برنت دریای شمال برای تحویل در ماه سپتامبر با ۱۰ سنت کاهش در هر بشکه

آفریقای جنوبی، تحسین ۳ هزار معدنچی در عمق ۲۷۰۰ متری زیر زمین

ترتیب، شمار کارگران اخراجی از آغاز اعتصاب، به ۲۰ هزار تن رسید.

کارگران معدن آفریقای جنوبی خواهان ۲۰ درصد افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار شده اند. کارفرمایان تاکنون تنها با ۲۳ درصد افزایش دستمزد موافقت کرده اند.

انحصارات از آغاز اعتصاب به فکر استخدام اعتصاب شکن در داخل و خارج آفریقای جنوبی افتاده اند. جنبش ضد آپارتاید در آفریقای جنوبی و کشورهای همجوار، هم اینک می کوشد از یکاگرایی اعتصاب شکنان و ورود آنها به آفریقای جنوبی جلوگیری کند.

جوسلوو دیبرکل حزب کمونیست آفریقای جنوبی در مصاحبه ای با نشریه آمریکایی "نیوزدی" اظهار داشت با وجود دستگیری هزاران تن از اعضای حزب در شرایط حکومت نظامی، حزب کمونیست پیوسته تیر و مندتر و پرنفوذتر می گردد. وی افزود کمونیستها بخش لاینفکی از جنبش علیه آپارتاید محسوب می شوند. تلاش دولت پوتا و برخی کشورهای غربی برای ایجاد تفرقه میان حزب کمونیست و کنگره ملی آفریقا، محکوم به شکست است. سلوو، عضو کمیته اجرایی کنگره ملی آفریقائیز هست.

اعتصاب بزرگ کارگران سیاه پوست معدن طلا و زغال سنگ آفریقای جنوبی، که گزارشهای مربوط به آن را در شماره های گذشته "اگرشیت" منتشر کردیم، هر روز بیشتر به مقابله ای سخت میان کارگران از یک سو، و انحصارات و رژیم آپارتاید از سوی دیگر، تبدیل می شود.

در روز پنجشنبه ۲۷ اوت، پس از آنکه مامورین حفاظت معدن طلای "وسترندیل لولز" در ۷۰ کیلومتری غرب ژوهانسبورگ که عمیق ترین معدن طلای جهان است، معدنچیان را به زور از خانه هایشان بیرون کشیده و وادار به ورود به معدن کردند، نزدیک به ۲ هزار کارگر در عمق ۲۷۰۰ متری زیر زمین دست به تحسین زدند.

اینک سه هفته است که اعتصاب ۲۷۰ هزار معدنچی در آفریقای جنوبی ادامه دارد. در روز چهارشنبه ۲۶ اوت، کارگران در یک رای گیری با اکثریت قریب به اتفاق آرا تصمیم گرفتند پیشنهاد شرکت های صاحب معدن را مبنی بر افزایش دستمزدها به میزان کمتر از آنچه خواست کارگران است، رد کنند و به اعتصاب ادامه دهند. کارفرمایان در واکنشی نسبت به این تصمیم کارگران، در روز پنجشنبه ۲۰ هزار معدنچی را اخراج کردند و بدین

فراروبی اعتصابات کارگری کره جنوبی به جنبش همگانی

اعتصابات کارگری کره جنوبی، بیش از پیش به جنبشی همگانی که از حمایت همه افشار و طبقات مردمی برخوردار است، فرامی رود. دیکتاتوری، از پیوند خوردن بیش از پیش جنبش کارگری با مبارزات آزادیخواهانه، هراسان است.

در روز شنبه ۲۲ اوت، یورش پلیس به اعتصابیون در بندرکویه، به مرگ کارگر ۲۱ ساله ای انجامید که مورد اصابت نارنجک گاز اشک آور قرار گرفت. ۲۰ کارگر دیگر مجروح و شمار زیادی دستگیر شدند. پدنهال این جنایات، هزاران کارگر در برابر بیمارستان محل نگهداری جسد این کارگر جوان گرد آمدند. ناظران اظهار عقیده کرده اند که تشییع جنازه این قربانی جدید دیکتاتوری چون دوهوان، به تظاهرات بزرگی علیه رژیم تبدیل خواهد شد.

طبق آمار رسمی، در روز چهارشنبه ۲۶ اوت ۱۰۰ هزار کارگر در ۶۱۲ واحد اقتصادی کره جنوبی در اعتصاب به سر می بردند.

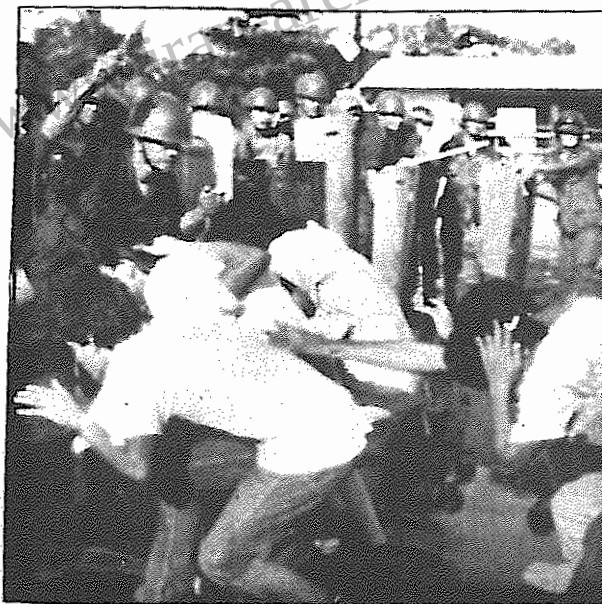
کارگران دومین اسکله بزرگ کشتی سازی کره جنوبی در کویه توانستند شرکت هیوندای، دارنده این اسکله را وادار به موافقت با ۲۳ درصد افزایش دستمزد کنند.

فیلیپین، دولت آکینو در برابر مشکلات فراپهنده

حمایت حزب "پایان" و سایر احزاب چپ و دمکراتیک فیلیپین قرار گرفت. این اعتصاب، گسترده ترین اعتراض توده ای از هنگام به قدرت رسیدن آکینو بود.

دوروز پس از اعتصاب عمومی، نظامیان دست راستی به سرکردگی سرهنگ هونسان از نزدیکان انریله وزیر دفاع پیشین و سناتور فعلی، ساختمانهای مهمی مانند مرکز رادیو و تلویزیون و مقر ارتش را به تصرف درآورده، دست به کودتا علیه آکینو زدند. ۱۴ ساعت پس از آغاز شورش، واحدهای وفادار به رئیس جمهور فیلیپین توانستند کنترل اوضاع را در دست گیرند و کودتاچیان را وادار به تسلیم کنند. این کودتای نافرجام مطابق آخرین گزارشها ۵۵ کشته به جای گذاشته است که شماری از آنها غیرنظامی بوده اند.

کودتای نافرجام اخیر، خونین تر از ۴ تلاش مشابه قبلی نظامیان راستگرا برای سرنگونی آکینو بود. در هر چهار مورد پیشین، سرانجام دولت و کودتاچیان در مورد عدم تعقیب عاملان کودتا به توافق رسیدند و شورش پایان یافت.



حمله پلیس به تظاهرات مردم فیلیپین در اعتراض به افزایش بهای فرآورده های نفتی

ناآرامی های اخیر فیلیپین، بر بستری از تشدید وخامت اوضاع اقتصادی و گسترش ناراضی عمومی روی داد. فیلیپین ۲۸/۵ میلیارد دلار به کشورهای خارجی مقروض است. شمار هر چه بیشتری از مردم، حمایت خود را از آکینو که علیرغم وعده هایش، اقدامی به سود مردم انجام نداده است، سلب می کنند.

نفتی بودند و آکینو را "عروسک خیمه شب بازی آمریکا" نامیدند.

پدنهال اعتصاب، پلیس چندتن از رهبران آن، از جمله مناردو رودا، رهبر سندیکای کارکنان حمل و نقل را بازداشت و اعلام کرد این عده به علت "دعوت به شورش" محاکمه خواهند شد. اعتصاب عمومی چهارشنبه گذشته، مورد حمایت

هفته گذشته، فیلیپین شاهد ناآرامی های شدیدی بود. از یک سو، اقدام دولت در بالا بردن بهای فرآورده های نفتی به انگیزه اعتصاب عمومی تبدیل شد، و از سوی دیگر، پنجمین کودتای نافرجام بر ضد دولت آکینو توسط جمعی از نظامیان نزدیک به خوان پونسه انریله وزیر دفاع پیشین، صورت گرفت. این کودتا، خونین ترین تلاش برای سرنگونی دولت آکینو بود و بیش از ۵۰ کشته و ۸۰۰ زخمی به جای گذاشت.

ناآرامی در ۱۴ اوت با اعلام تصمیم دولت مبنی بر افزایش بهای فرآورده های نفتی آغاز شد. این تصمیم به یک سلسله اعتراضات مردمی انجامید. "جنبش اول ماه مه" که بزرگترین اتحادیه سندیکایی فیلیپین است، برای روز چهارشنبه ۲۶ اوت اعلام اعتصاب عمومی کرد. با اینکه آکینو برای جلوگیری از انجام این اعتصاب، در روز سه شنبه ۲۵ اوت میزان افزایش بهای محصولات نفتی را به نصف کاهش داد، اما اعتصاب با شرکت فعال سندیکای کارکنان بخش حمل و نقل و سایر سازمانهای سندیکایی

انجام گرفت و حداقل دو میلیون نفر در آن شرکت کردند.

در جریان اعتصاب، تظاهرات گسترده ای در مانیل و سایر شهرهای فیلیپین علیه آکینو برگزار شد. پلیس و ارتش باحمله به این تظاهرات دو تن از مردم را به قتل رسانده و چهارتن دیگر را مجروح کردند. تظاهر کنندگان، خواهان مصادره شرکت های چند ملیتی

گزارشی از بهشت زهرا

به قلم پترشوت، نویسنده آلمانی

پترشوت، شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار اهل آلمان فدرال، اخیراً بدنبال سفرش به تهران دیده‌ها و شنیده‌هایش در میهن ما را در کتابی منتشر کرده است. بخشی از این کتاب به گزارشی از بهشت زهرا اختصاص دارد. در اینجا فشرده آن را چاپ می‌کنیم:

گورستانها معمولاً، حتی در شهرهای بزرگ، مکانهای آرامش‌آبدی، جزایر صلح و جایگاه‌های سکوت و به یاد آوردن است. اما در تهران چنین نیست. این روزها بهشت زهرا، گورستان مرکزی تهران، به بازار شلوغی می‌ماند. مردم می‌آیند و می‌روند، مرده‌ها و زنده‌ها با هم وداع می‌کنند، بلندگوها می‌غرند. مرگ عجب رونقی دارد!

گورستانها در همه فرهنگها و مذاهب، بازتاب و نمادی هستند از ارزشی که یک زندگی از دست رفته انسانی برای بازماندگان دارد، تابلوهایی هستند از ارزش زندگی و مردن. با سنجش طبق این معیار، مردگان تهران وضع ناپسامانی دارند. جایگاه آنها، در فاصله زیادی از مرکز شهر، در آن سوی محلات فقیرنشین و مکانهای تخلیه زباله قرار دارد، آنها را در حاشیه بیابان، جایی که بهای

زمین ارزان است، انبار کرده‌اند. اگر بتوان به نظم اتوبوسها اعتماد کرد، هر ربع ساعت یک بار، اتوبوسی از مرکز شهر به سمت این "بهشت" حرکت می‌کند. اما از آنجا که اتوبوسهای عازم آرامگاه، اغلب پیر از مسافرنند، بسیاری پیاده راه گورستان را در پیش می‌گیرند. راه سختی از میان هوای داغ، گرد و خاک و کثافت است. این راه از کنار چادرهای زیتونی رنگ، خاکستری یا زردی می‌گذرد که در آنها دهها هزار آواره از مناطق جنگی، به پایان جنگ امید بسته‌اند. آنها بیشتر اهل شهرها و روستاهای خوزستانند که موشکها، توپها و بمبهای شیمیایی عراق ویرانشان کرده است. بسیاری از این آوارگان، شش یا هفت سال است که در اینجا، در برزخ میان زندگی و مرگ، بدون سقفی روی سر، مانده‌اند.

درست در کنار اردوگاههای آوارگان، بیابانی در نوع خود بی‌نظیر پهنه گسترده است. تاجایی که چشم کار می‌کند، زباله‌های روزانه شهر یازده میلیونی را در آن تخلیه کرده‌اند. این بیابان، هر روز بیشتر به علق زمین فرو می‌رود. اینجا و آنجا، کپه‌های زباله را خالی بقیه در صفحه ۸

مبارزه علیه فاشیسم و برای

برپایی جمهوری‌های خلق



بود با چهل و سومین سالگرد رهایی رومانی از سلطه فاشیسم و انقلاب در این کشور. برای بلغارستان روز ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) دربرگیرنده چنین مناسبتی است. به مناسبت این روزهای تاریخی در این شماره مقاله‌ای راجع خوانیم که بطور فشرده روند انقلاب و مبارزه با فاشیسم را در کشورهای اروپای شرقی بررسی می‌کند. این مقاله از اثر پراورش "جنبش بین‌المللی طبقه کارگر" در ۷ جلد (ج ۵ - ص ۶۲۹ - ۶۲۴) تالیف جمعی از آکادمیسیانهای اتحاد شوروی برگرفته شده است.

در صفحه ۱۲

در روز اول سپتامبر (۱۰ شهریور) سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز شد و پس از آن که جهان را به آتش کشید و میلیونها کشته به جانهاد با تسلیم ژاپن در تاریخ ۲ سپتامبر ۱۹۴۵ پایان یافت. پایان جنگ جهانی دوم تنها پایان یک جنگ و پایان حیات فاشیسم در آلمان و ایتالیا نبود. با پایان جنگ، جهان کام بلندی به سوی آزادی برداشت. آزادی به دست یافته با قربانی‌های بی‌شمار، در برخی از کشورها محتوای اجتماعی عمیقی یافت. در کشورهای اروپای شرقی آزادی با سوسیالیسم عجین شد.

۲۳ اوت (اول شهریور) برابر

زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی!

ژاپن:

کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی

جهت جلوگیری از جنگ اتمی بود. یک ویژگی برجسته این کنفرانس جهانی، حضور شخصیت‌های برجسته جنبش جهانی صلح بود که در آن میان می‌توان از رامش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح، کوستاگومس رئیس‌جمهور سابق پرتغال، گریک بورویک رئیس کمیته صلح اتحاد شوروی و دیانا کلارک از مارش بزرگ صلح برای خلع سلاح اتمی (ایالات متحده آمریکا)، یاد کرد. این شخصیت‌ها و نیز سایر نمایندگان شرکت‌کننده در کنفرانس در سخنرانی‌های خود بر ضرورت محو کامل سلاحهای هسته‌ای در جهان تاکید ویژه‌ای داشتند.

کمیته اجرایی کنفرانس، فداییان خلق ایران (اکثریت) را رسماً به شرکت در کنفرانس دعوت کرده بود. بدین سبب هیئتی از سوی هواداران سازمان در ژاپن در بقیه در صفحه ۱۱

طبق روال هر ساله، در روز اول اوت (۱۰ مرداد) "کنفرانس جهانی علیه بمب‌های اتمی و هیدروژنی" در توکیو پایتخت ژاپن گشایش یافت. ۹۴ نماینده از ۲۶ کشور جهان و ۱۶ سازمان بین‌المللی و ۱۸۲ نماینده از سراسر ژاپن در این کنفرانس شرکت کردند. برنامه‌های مختلف کنفرانس که ۹ روز بطول انجامید در شهرهای توکیو، هیروشیما و ناگازاکی برگزار گردید.

در اولین روز کنفرانس "مینورویکیتامورا" دبیرکل انجمن دانشمندان ژاپن آغاز کار کنفرانس را اعلام داشت و سپس نماینده کمیته اجرایی کنفرانس در خصوص اهمیت این گردهمایی جهت تحکیم اتحاد نیروهای صلحدوست و منزوی کردن نیروهای جنگ افروزش صحبت کرد.

دومین روز با برگزاری نشست سبزی شد. مضمون اصلی این نشست‌ها مبارزه برای اقدام مشترک

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یارسیدباتکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «کار»:
۱۶ مارك	۱۴ مارك	☐ شش ماهه	☐ يك ساله
۳۰	۲۷		
دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	نشریه «اکثریت»:
۳۶ مارك	۳۳ مارك	☐ سه ماهه	☐ شش ماهه
۷۰	۶۴	☐ يك ساله	☐ يك ساله
۱۳۸	۱۲۵		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 172
MONDAY, 31 AUG, 87

آدرس:
Address: RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی
AUSTRIA .WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید